

ORIGINAL ARTICLE

Post-phenomenology of Consumption in Public Spaces of the City, Case Study: Central Texture of Zanjan City

Alireza Daviran* 

Associate Professor,
Department of Geography
Education, Farhangian
University, Tehran, Iran.

*Correspondence

Alireza Daviran
Email: faezhtaheeri85@yahoo.com

Receive Date: 23/Feb/2025

Revise Date: 11/Aug/2025

Accept Date: 04/Oct/2025

How to cite

Daviran, A.R.. (2026). Post-phenomenology of Consumption in Public Spaces of the City, Case Study: Central Texture of Zanjan City. *Urban Ecological Research*, 17(1), 59-80.

ABSTRACT

The acceleration of the transition from phenomenology of urban spaces to post-phenomenology can be attributed to the introduction and expansion of technology applications, which have a tangible impact on the interactive structure of the lived world. This research aims to explore the relationship between humans, technology, and urban lived spaces, analyzing their mutual interactions. The study's target population consists of 50 technology users in the public spaces of downtown Zanjan, with data collected through observations and semi-structured interviews. Data analysis was conducted using open, axial, and selective coding, then applied within a grounded theory model. The research methodology is qualitative and post-phenomenological, executed within a context-driven framework. Findings reveal that the interaction between humans and the urban space of Sabzeh Meydan is driven by the attraction of the square's features and the acceptance of citizens, accelerating their presence in the studied space (as a lived world). In the invitation process of Sabzeh Meydan, technology initially interacts with people, playing a mediating role, but later alters usage patterns and integrates individuals into its system. The causal, contextual, interventionist, control, and consequential factors within Sabzeh Meydan demonstrate that technology, through mechanisms of data exchange, sharing, feedback creation, attraction, and control, establishes dominance over both citizens and urban space. As a result, technology-driven consumption of urban spaces gradually shapes the prevailing usage patterns of Sabzeh Meydan in Zanjan within a post-phenomenological framework.

KEYWORDS

Technology, Human, Urban Space, Post-Phenomenology, Zanjan City.



Copyright © 2026, by the author (s). Published by Payame Noor University, Tehran, Iran.

This is an open access article under the CC BY (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

<https://grup.journals.pnu.ac.ir/>

«مقاله پژوهشی»

پسapidارشناسی مصرف در فضاهای عمومی شهر، مورد مطالعه: بافت مرکزی شهر زنجان

علیرضا دویران* 

دانشیار، گروه آموزش جغرافیا، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

*نویسنده مسئول: علیرضا دویران
رایانامه: faezhtaheeri85@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۵/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۱۲

استناد به این مقاله:

دویران، علیرضا (۱۴۰۵). پسapidارشناسی

مصرف در فضاهای عمومی شهر مورد مطالعه:

بافت مرکزی شهر زنجان. فصلنامه علمی

پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، ۱۷(۱)، ۸۰-۵۹.

چکیده

شتاب عبور از پدیدارشناسی فضاهای شهری به پسapidارشناسی را باید در ورود و گسترش کاربردهای فناوری دانست که اثر آن بر ساختار کنشی زیست‌جهان ملموس می‌باشد. این پژوهش باهدف بررسی چگونگی پیوند میان انسان، فناوری و فضای زیسته شهری اجرا شده و اثر تعاملی آنها بر یکدیگر تبیین شده است. جامعه پژوهش تعداد ۵۰ نفر از کاربران فناوری در فضای عمومی مرکز شهر زنجان بوده که با روش مشاهده و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته داده‌ها گردآوری شد. تجزیه و تحلیل داده با استفاده از کدگذاری باز، محوری و انتخابی و پیاده‌سازی آن در مدل داده‌بنیاد است. روش پژوهش از نوع کیفی مبتنی بر پسapidارشناسی می‌باشد که در ساختار زمینه‌گرا انجام گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که ارتباط بین انسان و فضای شهری مجموعه سبزه‌میدان با دعوت جذابیت‌های فضای سبزه‌میدان و پذیرش شهروندان (انسان) همراه بوده که حضورپذیری وی را در فضای مورد مطالعه (به‌عنوان جهان زیست) را شتاب می‌بخشد. در جریان دعوت‌پذیری فضای سبزه‌میدان و پذیرش شهروندان برای حضور، فناوری ابتدا در پیوند با آنان رفتار نموده و اثر تعاملی دارد. ولی در ادامه، فناوری با کارکرد خود، الگوی استفاده از فضای سبزه‌میدان را تغییر داده و آنها را در خود ادغام می‌نماید. نتایج حاصل از عوامل علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، کنترل و پیامدی در مجموعه سبزه‌میدان نشان می‌دهد که فناوری با استفاده از اهرم‌های داده و ستانده‌ای، هم‌سانی، اشتراک‌گذاری، ایجاد بازخورد، جذب و کنترل، بر انسان (شهروندان) و فضای شهری (سبزه‌میدان) سلطه یافته و با قدرت‌طلبی آنها را وابسته به خود می‌نماید. در نتیجه در پسapidارشناسی مصرف فضای شهری حاکمیت فناوری به‌تدریج سوبه غالب مصرف در فضای سبزه‌میدان شهر زنجان را شکل می‌دهد.

واژه‌های کلیدی

فناوری، انسان، فضای شهری، پسapidارشناسی، شهر زنجان

حق انتشار این مستند، متعلق به نویسندگان آن است. © ۱۴۰۵ ناشر این مقاله، دانشگاه پیام نور است.

این مقاله تحت گواهی زیر منتشر شده و با رعایت شرایط مندرج در آدرس زیر مجاز است.

This is an open access article under the CC BY (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).<https://grup.journals.pnu.ac.ir/>

مقدمه

جهان، بیش‌ترین اهمیت را برای مطالعه پیدا می‌کند (طباطبایی و توکلی، ۱۳۹۷).

در این میان واسطه‌هایی وجود دارند که منجر به نقد توأم با تکمیل پدیدارشناسی گردیده و پساپدیدارشناسی را به وجود می‌آورد. پساپدیدارشناسی به‌عنوان یک رویکرد جدید در فلسفه فناوری می‌باشد که با بازنگری در پدیدارشناسی هوسرل و با تمایل به سمت پراگماتیسم یا عمل‌گرایی، به مطالعه روابط انسان و فناوری می‌پردازد (مظفری‌پور، ۱۴۰۰). پیشرو این جریان دون آبدی^۸، فیلسوف معاصر فناوری در آمریکا، سپس پیتر وریبک^۹، دانشجوی سابق اوست که بیش‌ترین تفسیر از پساپدیدارشناسی را دارند (Verbeek, 2011; Verbeek, 2005; Verbeek, 2006).

پساپدیدارشناسی ایجاد رابطه بین انسان و جهان از طریق فناوری است که از طریق خود انسان تولید شده و به واسطه آن با زیست‌جهان ارتباط می‌یابد. فناوری با حضور در فضای شهری شیوه مصرف فضا تغییر می‌دهد در مواقعی این مصرف را چنان فناورانه می‌کند که عمومیت فضا تحت‌نظر خصوصیت فناوری قرار گرفته و افراد با به‌کارگیری فناوری مصرف فضا را شکل می‌دهند. در چنین شرایطی وابستگی و تعامل بین شیوه مصرف فضا و استفاده انسان، التفاتی واسطه‌ای است که عامل اصلی آن فناوری می‌باشد.

رویکرد کنونی پژوهش‌های شهری بیش‌تر در موضوع‌های پدیدارشناسی بنیان‌یافته و کم‌تر به پساپدیدارشناسی توجه کرده است. رشد تصاعدی فناوری اطلاعات خود را در ریخت‌شناسی شهری نیز نشان و فرم جدیدی از محیط کاربردی که فضای مجازی نامیده می‌شود، در فضاها و فعالیت‌های اجتماعی - اقتصادی شهر نمایان شده است. رشد و پیشرفت روزافزون فناوری اطلاعات، بخش‌های اطلاعاتی شهرها را ملزم به ادغام محیط فیزیکی و مجازی می‌کند به‌گونه‌ای که انعطاف‌پذیری بیش‌تری برای درک تعاملات پیچیده سیاسی - اجتماعی در حال تغییر شهر نشان دهند.

امروز فضاهای شهری در مقیاس عمومی آن محلی برای استفاده از فناوری شده است که اساس کنونی آن مبتنی بر فضای مجازی است. امروزه دستگاه‌های هوشمند همراه، به‌عنوان ابزاری فناورانه، چنان افراد را در خود جذب و هضم نموده است که گویی نبود آن احساس گم‌گشتگی ایجاد می‌نماید. استفاده از این فناوری در فضاهای شهری به‌صورت فردی و گروهی نوعی از

پیش‌زمینه گذر از پارادایم پدیدارشناسی به پساپدیدارشناسی را باید در توسعه فناوری دانست. پساپدیدارشناسی روشی است برای فهم ادراکات خود بدون کم‌ترین قضاوتی. این روش زاده تأملات ادموند هوسرل^۱ فیلسوف آلمانی است که به‌دست متفکرانی چون هایدیگر^۲، سارتر^۳ و مرلو - پونتی^۴ اصلاح و تکمیل گشت (اسلامی اردکانی، ۱۴۰۱). اگر چه در منابع فارسی و غیرفارسی پدیدارشناسی را یک روش کیفی در مقابل روش کمی در نظر گرفته‌اند (فیلک، ۱۳۹۴). اما این تقسیم‌بندی نادرست، توسط تجربه‌گرایان بکار گرفته شده است که تعبیرشان از پدیدارشناسی معطوف به پدیده‌های غیرعینی بوده است. در حالی که هوسرل و تابعان وی مانند گیلبرت^۵، هیلیر^۶ تمام استدلال‌های‌شان به‌صورت ریاضی و کمی بوده است (شوتز^۷، ۱۳۷۱). تجربه زیسته یکی از اصطلاحات مهم و بنیادین در پدیدارشناسی است که در اکثر حوزه‌های علوم انسانی به کار می‌رود. این اصطلاح، اصطلاحی مناقشه‌برانگیز و گاه مبهم است. تاحدی که متفکران اصلی این حوزه نیز گاه در تبیین صریح و دقیق آن با مشکل روبه‌رو بوده‌اند (قاسمی‌پور، ۱۴۰۱).

تجربه در این بخش به مفهوم ارتباط مستقیم با جهان است. تجربه در واقع فرایند خلق ابژه‌ها و موضوع‌های ارزشی در هر دو سطح شناختی و احساسی است. اما این فرایند خلق اساساً ارتباط بلافصل با جهان بیرونی و ابژه‌های آن، با موقعیت‌ها و در کل با جهان تعریف می‌شود. تجربه یعنی خود را مستقیماً در معرض جهان قرار دادن و چیزها را بی‌واسطه ادراک کردن. از این‌رو است که می‌توان تجربه را به‌مثابه تولید و کسب ارزش‌ها به لطف بلافصل بودن ارتباط با جهان در نظر گرفت (معین، ۱۳۹۳).

پدیدارشناسی دامنه گستره انواع تجربه‌ها از جمله: ادراک، تخیل، تفکر، عاطفه، میل، اراده و عمل می‌باشد. تجربه نه‌تنها شامل تجربه نسبتاً منفعلانه نظیر دیدن یا شنیدن است، بلکه تجربه فعالانه نظیر راه رفتن یا چکش زدن یا ضربه‌زدن به توپ را هم در بر می‌گیرد (اسمیت، ۱۳۹۶). در پدیدارشناسی سوژه و ابژه، یعنی انسان و جهان، به‌طور مستقل قابل بررسی نیستند و تنها باید در ارتباط با یکدیگر فهم شوند، لذا رابطه میان انسان و

۱. Husserl
2. Heidegger
3. Sartre
4. Merleau-Ponty
5. Gilbert
6. Hilar
7. Shoutz

8. Don Ihde

9. Verbeek

خود چیزها، تقلیل، تعلیق، افق و زیست - جهان بود که بعدها شاگردان وی همچون هایدیگر راه او را، اگر چه گاه به گونه‌ای انتقادی، پی گرفتند و پدیدارشناسی را به یکی از تأثیرگذارترین جریان‌های تفکر فلسفی قرن بیستم تبدیل نمودند (بالا میرزایی و البرزی، ۱۳۹۶).

هوسرل هدف پدیدارشناسی را دوری کردن از تفسیرها و اجازه دادن به اشیاء برای نشان دادن خودشان لحاظ می‌کند. هدف پدیدارشناسی آغشته کردن انسانیت به چهره‌ای فلسفی از زندگی است که انسان به واسطه خود می‌تواند قوانین را دریابد (Husserl, 1978). هوسرل نسبت این دریافتن را نسبت التفاتی می‌داند که میان ابژه (شناسایی شده) و سوژه (شناساننده) برقرار می‌باشد. نسبت التفاتی همچون روحی است که میان ابژه و سوژه (نویس و نوئما) در جریان است و می‌توان آن را از هر جنبه‌ای تحلیل نمود که می‌تواند تحلیلی ابژه‌تیک یا سوژه‌تیک باشد (Welton, 1999). این اندیشه و تفکر است که فاصله میان ابژه و سوژه را در فرایندی التفاتی پر می‌کند. در واقع تجربه‌های التفاتی تجربه‌هایی هستند که در بر گیرنده تجربه‌های زیسته می‌باشد. تجربه‌هایی که حاصل حضور سوژه در محیط و ناظر بر ابژه است. از نظر هوسرل این تجربه است که در حل بحران‌ها نقش بنیادین ایفاء می‌نماید و زیر ساخت‌های علم جهان زندگی را مهیا می‌سازد (فرجی، ۱۴۰۰).

هایدیگر (شاگرد هوسرل) پدیدارشناسی را توسعه داده و برخلاف هوسرل که تعبیر تحلیل پدیدارگرا به کار می‌گیرد، برای روش پدیدارشناسی در کنار واژه دیدن و نگاه کردن و هم ارز با آنها از واژه فهمیدن استفاده می‌کند (پازوکی، ۱۳۹۹). به همین خاطر هرمنوتیک شهودی اساس پدیدارشناسی هایدیگر است که معنای آن رفتار با چیزی است که با خویشتن خویش آشنا و با آن مأنوس می‌شود (Heidegger, 1987).

جغرافیای پدیدارشناسی به آن دسته از مطالعات جغرافیایی اطلاق می‌شود که در آن پدیده‌ها و موضوعات جغرافیایی فارغ از قالب و الگوهای رسمی، انتزاعی و بدون اتکا به فرضیه‌ها، نظریه‌ها و پیش‌داوری‌های مرسوم در پژوهش‌های علمی و تنها به صورت امری پدیداری و بدون واسطه مورد مطالعه پژوهشگران قرار می‌گیرد (واثق، ۱۳۹۸). رونمایی و کاوش پدیدارهای جغرافیایی یا همان فضای زیستی که فضانشینان، فضاگردانان و فضااندیشان در آن زیست می‌کنند، اساس کار پدیدارشناسی جغرافیایی است (ملایری، ۱۳۹۰). زیرا اگر این میدان زندگی درک نشود و فضای جغرافیایی از دریچه جهان آدمیان همان فضا، فهم نشود، پدیدارهای آن فضای جغرافیایی درک نخواهد شد (صادقی و همکاران، ۱۳۹۵).

مصرف فضا را به وجود آورده است که بنیان آن بر تناظر فضای فیزیکی و مجازی است. این موضوع موجب درهم‌تنیدگی آنها شده است. مصرف فضا با تسلط برخی فناوری‌ها به گونه‌ای شکل یافته است که احساس لذت فیزیکی جای خود را به احساس فناورانه داده و انسان با فناوری و تحت سلطه قرار دادن ذهن از فضا استفاده می‌نماید. در چنین شرایطی به جای اینکه جسم و روح از حضور در فضای عمومی احساس آرامش و رفع خستگی پیدا کند به حاشیه رانده شده و با غلبه فناوری بیش‌تر ذهن (بدون جسم و روح) را در فضا می‌گستراند. فضاهای عمومی شهر (مانند پارک‌ها، تفرجگاه‌ها و غیره) به عنوان فضاهای قابل استفاده برای همگان مطرح هستند که دارای ظرفیت تولید و مصرف مشخص هستند.

بررسی اولیه نشان داد که در فضای عمومی بافت مرکزی شهر زنجان (به‌ویژه فضای تفریحی مجموعه بزرگ سبزه میدان) رابطه‌ای میان چگونگی مصرف فضا و انسان شکل گرفته است که بخشی از آن بدون واسطه و بخشی دیگر وابسته به واسطه فناوری است. شناخت چگونگی برقراری این رابطه و اثرگذاری واسطه‌ها در نحوه مصرف فضا تبیین‌کننده الگوی کاربردی فضا می‌باشد؛ لذا این پژوهش مصرف فضای شهری توسط انسان و ارتباط آن با تولید و بازتولید فضای شهری از طریق فناوری را اساس کار خود قرار داده است. سؤال اصلی پژوهش حاضر بر این بنیان استوار است که پساپدیدارشناسی رابطه انسان، جهان زیست و فناوری چگونه بوده و مصرف فضاهای عمومی شهر در ارتباط با فناوری همراه چگونه شکل گرفته و ادامه می‌یابد؛ بنابراین چگونگی شکل‌گیری و توسعه مصرف این فضا توسط انسان به واسطه فناوری موضوعی است که مسئله اصلی پژوهش را شکل می‌دهد. مطالعه حاضر پژوهشی نوین در پساپدیدارشناسی شهری است که هدف آن دریافت و ادراک مصرف فضاهای عمومی به‌عنوان جهان زیست و ارتباط آن با انسان از طریق فناوری است.

مبانی نظری

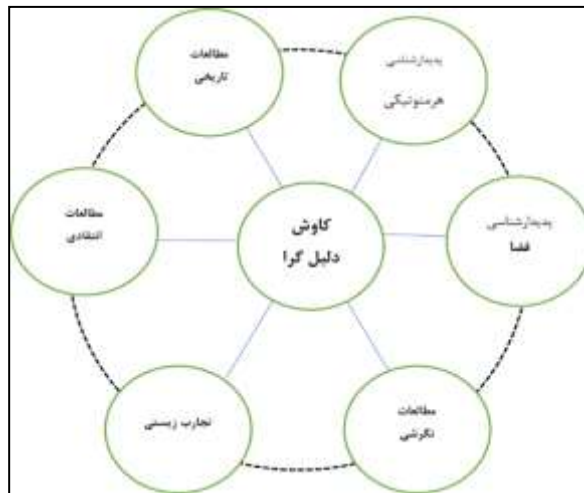
چارچوب نظری

سابقه استفاده از واژه پدیدارشناسی به فیلسوفانی چون لمبرت، هردر، کانت، فیخته و هگل^۱ می‌رسد. اما باید اذعان داشت که این آدموند هوسرل بود که آن را چنان نوعی فلسفی‌دان مطرح ساخت و در قالب روشی کاملاً نو بسط داد و به حق، پدر پدیدارشناسی نام گرفت. با تکیه بر آثار و تعبیر وی از جمله قصدیت، به‌سوی

1. Herder, Kant, Fichte & Hegel

قصیدت شکل می‌دهد (شکل ۱). قصیدت در جغرافیا یعنی همان انگیزه، آهنگ و میل به شناخت پدیدار در فضای جغرافیایی است که حاصل ایجاد شکاف ذهنی و عینی پژوهشگر با سوژه (پژوهش شونده) است. این همان چیزی است که در روش‌شناسی تحقیق به آن نطفه شکل‌گیری مسئله گفته می‌شود. شکاف بین آن چیزی که وجود دارد و آن چیزی که بوده است یا باید باشد (دویران، ۱۴۰۳).

اصطلاح زیست‌جهان در جغرافیای پدیدارشناسی اصطلاحی است که بر اندیشه‌های هوسرل و هایدیگر استوار است و مکانی در ذهن انسان است که تجربه‌های عینی در آن صورت ذهنی گرفته و متعلق به آگاهی انسانی می‌شود. روش‌شناسی پدیده‌های جغرافیایی در بستر پدیدارشناسی با حضور پژوهشگر و پژوهش شونده در محیط و باهدف فهم آن اساس می‌یابد. طوری‌که پژوهشگر با تجربه آگاهانه به شناخت نموده‌ها می‌پردازد و در پی تبیین آنچه تجربه شناختی او از پدیداری است که مرکز آن را



شکل ۱. روش‌شناسی مطالعات پدیدارشناسی جغرافیای شهری

مأخذ: دویران، ۱۴۰۳

پدیدارشناسی نسبت شی-جهان (اندامگان- محیط) را می‌کاود (Ihde, 1998; Ihde & Selinger, 2009). آیدی فناوری را نه به‌مثابه جلوه یا معنای هستی بلکه به معنای متعارف ابزارها و مصنوعات می‌بیند که در متن تجربه و کنش روزمره انسان حاضرند (Verbeek, 2001).

آیدی با طرح رویکرد پساپدیدارشناسی در فناوری، نسخه اصلاح شده‌ای از پدیدارشناسی ارائه می‌دهد که در آن بر شاخص‌های مهمی چون نظریه تغییر، تجسد و زیست‌جهان تکیه و بر عمل‌گرایی در مقابل نظرگرایی تأکید بیشتری دارد. وی با این رویکرد می‌خواهد ابزارهای لازم برای بسط و بررسی نسبت‌های میان انسان و فناوری و جهان را در اختیار ما قرار دهد. به بیان دیگر می‌توان گفت پساپدیدارشناسی رویکردی از تحلیل تجربه است که با استفاده از روش تغییر به نسبت‌های بین انسان - فناوری - جهان در دو سطح خرد و کلان می‌پردازد (احمدی هدایت و همکاران، ۱۳۹۸). آیدی پساپدیدارشناسی را تأملی فلسفی در باب درهم‌تنیدگی علم و فناوری می‌داند و اعتقاد بر این دارد که فلسفه علم پیش از چاپ دو کتاب حیات آزمایشگاهی و

در سوی دیگر پساپدیدارشناسی مطرح می‌شود که خود برگرفته از پدیدارشناسی به‌ویژه پدیدارشناسی هایدیگر است. هایدیگر یکی از نخستین دانشمندانی است که فناوری را در فلسفه طرح می‌کند (احمدی هدایت و همکاران، ۱۳۹۸). هایدیگر به تبیین دو مقوله علم و تکنیک و نسبت میان آن دو اهتمام ورزیده و ذات فناوری را به‌مثابه نوعی نا پوشیدگی هستی، مقدم بر علم و علم‌ورزی قلمداد کرد. پس از هایدیگر پدیدارشناسی تکنو علم در پیوند با پراگماتیسم آمریکایی به ظهور مکتبی نوپا انجامید که به پساپدیدارشناسی معروف گشت (طائب نیا، ۱۳۹۸).

در واقع دون آیدی^۱ با تأثیرپذیری از دیدگاه‌های هایدیگر، نسخه اصلاح شده‌ای از پدیدارشناسی را ارائه داد که به پساپدیدارشناسی معروف گشت. به نظر آیدی هرگاه انسان به جهان واکنش نشان دهد، نشان از وجود جهان دارد و این معنای رئالیسم نزد اوست. از این نظر معنای رئالیسم در نظام فکری وی باید پدیدارشناسانه و بنابراین نسبت‌اندیشانه فهم شود.

1. Don Ihde

از رابطه به مفهوم نسبت منتهی به بهره‌وری تغییر می‌یابد. رویکرد پساپدیدارشناسانه، پویایی و ساختارهای اجتماعی به‌گونه‌ای کامل‌تر از رویکرد پدیدارشناسانه مورد بررسی قرار می‌گیرند. در این دیدگاه مکان یک رویداد است که زنده بوده و روی خود را به تغییرات باز می‌کند و هم‌زمان با فعالیت‌های پویا شکل می‌گیرد (Talebian & Uraz, 2018).

موضوع فضای شهری و تولید آن در تاریخ اندیشه‌های شهری سابقه‌ای طولانی دارد. در واقع فضای شهری بستر زندگی عمومی و اجتماعی جامعه است که در فرایند تحول زندگی زیستی - اجتماعی به یک زندگی اجتماعی و روان‌شناختی وابسته به حیات مدنی شده است (مدنی‌پور، ۱۳۹۶). این فضاها با تنوع از قشرهای مختلف اجتماعی مواجه می‌باشند که در ابعاد زمانی و مکانی مختلف پراکنده شده و فضای مصرف شهری را شکل می‌دهند (دویران، ۱۴۰۲). فضای عمومی به‌عنوان قلمروی مشترک میان گروه‌های مختلف در طیفی از اختیارات قانونی تا شهروندی تغییر می‌کند (Mehta, 2014). فضاهای عمومی نقش بسیار مهمی به‌عنوان یک کاتالیزور برای تغییرات اجتماعی بازی می‌کنند و فضایی را برای اجتماع گروه‌های مختلف فراهم می‌کنند. براین اساس نقش‌های فضای عمومی را می‌توان قانونمندی و نمایشی به‌منابۀ تجلی رابطه تاریخی و طولانی ارتباط جمعی و نمایشی دانست (Sagan, 2015).

چهار مؤلفه مؤثر بر تعریف فضای عمومی را در نمایش روابط و تعاملات جمعی باید اشتراک فضایی، مقبولیت فضایی، عمومیت فضایی و قانونمندی و هنجارمندی فضایی می‌باشد (Bodner, 2015). مشترک بودن قلمروی فضای عمومی در شهر منجر به شکل‌گیری کنش‌های مختلف اجتماعی می‌شود که به‌تناسب قلمرو، فعالیت و کارکرد متفاوت فضا شیوه‌های رفتاری متفاوت را ایجاد می‌نماید. سرمایه اجتماعی به‌عنوان یکی از عوامل شکل‌دهنده کنش‌های اجتماعی است که شکل‌گیری و توسعه آن به‌تناسب زمانی و مکانی وابسته به فعالیت و کارکردهای مختلف مصرف فضای شهری است (دویران، ۱۴۰۳).

تحلیل پدیدارشناسانه مکان، بدون در نظر گرفتن چرخه‌های زمانی، نمی‌تواند بازتابی درست از تجربیات زیسته افراد باشند. رویکرد پساپدیدارشناسانه به دنبال شناختی است که ماهیت ایستا نداشته و تأثیر عوامل مختلف فناوری را در نظر می‌گیرد. از منظر هستی‌شناسی هایدگری تأثیر فناوری بر فضای جغرافیایی را شکل‌گیری پگاه هستی‌های مکانی - فضایی نو ارزیابی می‌کنیم. از این منظر نگاه ما معطوف به کارکرد و چگونگی گفتمان فناوری و فضا نیست بلکه از منظر چیستی این گفتمان است (پیری و روشنایی، ۱۳۹۳).

تکنیک و عمل همواره بین دو خوانش جهان‌شمول غیرتاریخی و اجتماعی - تاریخی می‌چرخیده است (Ihde, 2015).

از موارد مورد تأکید پساپدیدارشناسی همین تأکید بر نقش واسطه‌ای فناوری‌ها است که البته معتقد است که این وساطت کاملاً فعال و غیرخنثی است؛ به‌طوری‌که سوژه و ابژه یعنی جهان و انسان هر دو با وساطت فناورانه دگرگون می‌شوند (مظفری‌پور، ۱۴۰۰). در پساپدیدارشناسی فناوری پلی بین سوژه و ابژه از پیش تحقق‌یافته نیست بلکه زاینده آن دو است و این انسان و جهان زیست هستند که طریق فناوری یکدیگر را در بر می‌گیرند (Goeminne, 2010).

شکل گرفتن انسان و جهان از دیدگاه پساپدیدارشناسی، با وساطت اشیاء و فناوری است. به اعتقاد وربیک در نظریه پساپدیدارشناسی، اندیشه اصلی معرفت‌شناسانه این است که فناوری به شکل‌گیری (شکل دادن) واقعیت پدیداری کمک می‌کند که مطالعه می‌شود (به‌عبارتی دخالت دارد). ابزار و وسایل علمی واقعیت را برای دانشمندان وساطت می‌کنند (Verbeek, 2005). پساپدیدارشناسی روش تجزیه‌وتحلیل تغییر را به کار می‌گیرد و یک چیز مهم را به آن اضافه می‌کند و آن چندگانگی فناوری‌ها است. چندگانگی فناوری، کاربردهای گوناگون آن را نشان می‌دهد، یعنی ممکن است یک فناوری، کاربردی غیر از آنچه هدف از طراحی آن بوده داشته باشد. اشیاء و فناوری‌ها رابطه انسان با جهان را تغییر می‌دهند و واقعیت را به‌گونه‌ای متفاوت به انسان عرضه می‌کنند. در واقع پساپدیدارشناسی، به‌جای رفتن به سمت خود چیزها، به‌سوی فهم رابطه‌ها حرکت می‌کند (مظفری‌پور و همکاران، ۱۴۰۱).

در مقیاس جغرافیایی بستر عینی و فضای ذهنی فرد سکوی جدیدی را در فهم از پدیده‌های طبیعی و انسانی به وجود می‌آورد که همان پساپدیدارشناسی است. بستر عینی از طریق فناوری‌های مختلف فضای ذهنی فرد را در چگونگی فهم از جهان زیست شکل می‌دهد. در این فرایند انسان اگر در گذشته با چشم مرئی پدیده‌ها را می‌شناخت این تجربه عینی یا دیداری وی در گذشته با داده‌ها و داشته‌های پیشین، با داده‌های فناوری امروز بسیار کامل‌تر و گویاتر می‌شود (راهدان مفرد و رامشت، ۱۳۹۹). در واقع پیش‌زمینه ذهنی گذشته به عدم وجود پیش‌زمینه در حال حاضر منتهی می‌شود که واسطه آن فناوری است. به نظر پاپلی یزدی (واضع پساپدیدارشناسی در جغرافیا) فناوری در عصر پساپدیداری، تنها به‌صورت یک ابزار در دست بشر باقی نخواهد ماند و دنیای فناوری در آینده، فضای ادراکی و فهمی بشر از پدیده‌ها را دگرگون خواهد کرد. جغرافیای پساپدیدارشناسی ترکیبی از انسان، محیط و فناوری است (پاپلی یزدی، ۱۳۶۹).

در پساپدیدارشناسی جغرافیا رابطه انسان با محیط جای خود را به نسبت انسان و محیط می‌دهد. طوری که مفهوم بده‌وبستان ناشی

می‌رسد که نقش فناوری به‌مثابه مصنوعات و ابزارها در شکل‌گیری چارچوب معرفتی انسان معاصر در قالب علم تجربی است که باید دید چرخش عملگرایانه پساپدیدارشناسی چه میزان ظرفیت حل مسائل نظری و عملی علم‌وفناوری را در جهان امروز را دارد.

حبیبی و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی با عنوان «فضای جریان‌ها و فضای مکان‌ها، از تقابل تا تعامل: واکاوی تأثیر فناوری‌های جدید بر ویژگی‌های فضای شهری» با رویکرد تحلیلی - تاریخی به این نتیجه می‌رسند که ادراک فضا با آگاهی و دسترسی به داده‌های مختلف شکل می‌گیرد. شبکه‌های اطلاعاتی فناورانه روابط چهره به چهره را کاهش و جریان زندگی شهری را دو فضایی نموده است.

شکری یزدان‌آباد و صفوی (۱۴۰۰)، در مطالعه‌ای با عنوان «تأثیر فضاهای مجازی بر حضورپذیری فضاهای عمومی در شهر» با روش توصیفی و تبیینی به این نتیجه دست می‌یابد که فضای مجازی در تحریک انسان به حضور در فضای شهری مؤثر بوده و می‌تواند تسهیل خدمات‌رسانی در فضا شود.

مظفری‌پور (۱۴۰۰)، در مطالعه با عنوان «روش پژوهش پساپدیدارشناسانه؛ پدیدارشناسی عملگرا» به معرفی این روش در فلسفه فناوری پرداخته و به این نتیجه می‌رسد که پساپدیدارشناسی ترکیبی از عمل‌گرایی و پدیدارشناسی است که برخی ویژگی‌های آن را قبول و برخی دیگر را کنار می‌گذارد. روش‌های مبتنی بر مصاحبه و مشاهده شرکت‌کنندگان، گزارش تجربه، مصاحبه با اشیاء به طرق مختلف به بررسی رابطه انسان و فناوری‌ها و تغییرات حاصل از این روابط می‌پردازد.

ناری قمی و عباس‌زاده (۱۴۰۲)، در پژوهشی با موضوع «خوانش مسجد به‌عنوان ابزار حضور (رویکردی نو به سوی نظریه روحانیت فضای مسجد) با استفاده از روش پساپدیدارشناسی» با برقراری ارتباط بین مفهوم مسجد و فلسفه فناوری به این نتیجه دست یافت که میان ارتباطات پنج‌گانه معماری به‌عنوان ابزارحضور، ارتباط پس‌زمینه‌ای منطبق‌ترین وضعیت را با اقتضائات اسلامی در حوزه مسجد دارد که تبعات طراحانه آن باید در آینده دقیق‌تر بررسی شوند.

ضیایی و همکاران (۱۴۰۳)، در مطالعه‌ای با عنوان «تحلیل پساپدیدارشناسانه تأثیر حس زمان بر شاخص‌های اجتماع‌پذیری فضاهای باز عمومی در نمونه موردی کوه‌سنگی مشهد» با استفاده از رویکرد پساپدیدارشناسانه مبتنی بر مطالعات اسنادی، پرسش‌نامه‌های بسته‌پاسخ، مصاحبه‌های عمیق نیمه سازمان‌یافته و مشاهدات کنترل شده و ناپیوسته به این نتیجه دست می‌یابد که میزان تأثیرات شاخص‌ها در ارتقای اجتماع‌پذیری فضاهای

بنابراین پساپدیدارشناسی شهری در مقیاس مصرف فضای شهری به دنبال دریافت این واقعیت است که انسان در فضای شهری چگونه تجربه زیست خود را با فناوری ادغام کرده و جزوی از آن می‌شود. طوری که با ترکیب در جهان زیست، فناوری بخشی از وجود شده و با هم آمیخته می‌شود. سیستم‌های هوشمند شهری، تابلو نماها هوشمند تبلیغاتی، فضای مجازی، ایستگاه‌های شارژ همراه، گوشی‌های هوشمند، تلویزیون‌های شهری، فروشگاه‌های دیجیتال، خودپردازها، بازارهای مجازی، حمل‌ونقل مجازی، نظام‌های مالی الکترونیک و بسیاری از موارد فناورانه دیگر از جمله چرخه‌هایی است که در نسبت انسان با محیط نقش داشته و با آنها ترکیب می‌شود. در واقع این موارد فناورانه هستند که در فضای شهری واسط ایجاد ارتباط انسان با محیط شده و شیوه مصرف فضا را شکل می‌دهند. نسبت این ارتباط و تأثیرپذیری و تأثیرگذاری آنها بر یکدیگر بستگی میزان درهم تنیدگی فناوری با حضور انسان در فضای شهری دارد که در بعضی موارد چنان او را در خود هضم می‌نماید که نبود آن منجر به بروز فشارهای روانی شده و انسان را دچار گم‌شدگی می‌نماید.

فناوری به واسطه تأثیرگذاری که بر روی رفتار، حرکت و مصرف فضا توسط انسان دارد خود را با جای دادن در وجود انسانی، بخشی از آن می‌نماید. به‌طور مثال در عصر حاضر گوشی هوشمند بخشی از همراه و وجود انسان شده است که همراه نداشتن آن، انسان را دچار گم‌شدگی نموده و دائماً وی را برای یافتن آن به سواهای مختلف می‌کشانند. فضای مصرف شهری به واسطه فناوری از الگوهای تجربی مبتنی بر مشاهده مرئی و پیش‌زمینه ذهنی گذشته خارج و وی را در فضایی قرار می‌دهد که الگوهای مصرفی در نسبت با فناوری را تجربه نماید.

پیشینه پژوهش

بررسی سوابق مطالعات پساپدیدارشناسی شهری نشان می‌دهد، مطالعات بسیار اندک و محدودی با موضوع پساپدیدارشناسی فضاهای شهری انجام گرفته و بیش‌تر مطالعات کیفی شهری با رویکرد پدیدارشناسی جریان یافته‌اند. حتی در سایر تخصص‌ها نیز مطالعات پساپدیدارشناسی محدود است. شاید دلیل این امر را در تمرکز مطالعات به مباحث پدیدارشناسی دانست که هنوز به اشباع توسعه نرسیده و نیاز به مطالعه بسیار دارد. با این حال بر اساس بررسی‌ها و کاوش‌های به‌عمل آمده مطالعات پساپدیدارشناسی در سال‌های اخیر به شرح زیر می‌باشد:

طائب‌نیا (۱۳۹۸)، در مطالعه‌ای با عنوان «نسبت علم‌وفناوری در پساپدیدارشناسی» پساپدیدارشناسی را نسخه‌ای پراگماتیستی سنت پدیدارشناسی هوسرل و هایدگر می‌داند و به این نتیجه

شهری، رابطه فناوری، جهان زیست و انسان را با مواردی همچون دعوت یا مهار، وساطت ادراک، وساطت تفسیر، وساطت عمل را بررسی می‌کند. آنچه تفاوت اساسی مطالعات پدیدارشناسی با پساپدیدارشناسی شهری است، نقش و وساطت فناوری در دریافت و ادراک پدیده‌ها توسط انسانی است که در فضای زیسته شهر حرکت می‌کند و آن را تجربه می‌نماید. فرایند بررسی چنین درکی نیازمند بررسی چگونگی استفاده از فناوری در فضای شهری، نقش آن در ادراک، تفسیر فضای شهری توسط انسان است.

روش انجام پژوهش

پژوهش حاضر از نوع مطالعات کیفی مبتنی بر پساپدیدارشناسی است. از آنجایی که پساپدیدارشناسی، هدف اصلی، استخراج توضیحات تجربه زیسته در مورد تعامل و برخوردهای روزمره شرکت‌کنندگان پژوهش و برخورد با فناوری است. لذا پژوهش‌های کیفی مبتنی بر رویکرد پساپدیدارشناسی، شیوه مصاحبه را یکی از شیوه مؤثر جمع‌آوری اطلاعات می‌داند. در پژوهش حاضر شیوه گردآوری داده‌ها با استفاده از روش مشاهده و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته می‌باشد. با توجه به اینکه این روش مصاحبه بین دو حد نهایی ساختاریافته و بدون ساختار قرار می‌گیرد، بنابراین آن سوال اصلی یعنی چگونگی، نحوه، زمان، دلایل و کارکرد فناوری در فضای شهری مورد مطالعه مطرح شده ولی در طول مصاحبه سوال‌های دیگر متناسب با موضوع پژوهش شکل گرفته و بررسی شد.

جامعه مورد مطالعه شهروندان در حال استفاده از فناوری (گوشی همراه هوشمند) در فضاهای عمومی شهر با محوریت فضای عمومی مرکز شهر زنجان (مجموعه گردشگری سبزه‌میدان) به تعداد ۵۰ نفر را شامل می‌شود. مقیاس زمانی مورد مطالعه زمان تراکمی استفاده از فضای شهری (بعد از ظهر) بوده که نمونه‌های با انتخاب هدفمند گزینش و با اشیاء نظری داده‌ها جمع‌آوری شد. طوری که با تکراری شدن پاسخ‌ها و نبود داده جدید فرایند جمع‌آوری منقطع، طبقه‌بندی و ساماندهی داده‌ها صورت پذیرفت. در نهایت در فرایند مصاحبه و مشاهده فیش و یادداشت‌برداری لازم انجام گرفته و سپس داده‌های حاصل در بستر مدل زمینه‌گرا پیاده شد.

فرایند به گونه‌ای بوده است که ابتدا با استفاده از روش مشاهده در چندین نقطه از فضای مورد مطالعه (ایستگاه‌های برداشت ثابت و سیار) با حضور مستمر و گاه طولانی، مصرف کنندگان فضا شناسایی و مورد پایش مشاهده‌ای قرار گرفته و سپس با کنترل نامحسوس از میزان استفاده فناوری، فرایند مصاحبه آغاز و داده‌ها جمع‌آوری شد (شکل ۲). در نهایت داده‌های به‌دست آمده ابتدا

عمومی به‌شدت تحت تأثیر عامل زمان است.

سیمپسون و اش^۱ (۲۰۲۰)، در مطالعه‌ای با عنوان «پدیدارشناسی و پساپدیدارشناسی جغرافیا» با مطالعه تاریخی و مروری بیان می‌دارند که جغرافیای انسانی در سال‌های ۱۹۶۰ و اواخر دهه ۱۹۸۰ به پدیدارشناسی گرایش پیدا کرده و به مرور پدیدارشناسی مارتین هایدیگر را در مباحث مکان و تجارب فضایی اساس کار خود قرار داده‌اند. اما اخیراً جغرافیا با درک تباین‌های محیطی به پساپدیدارشناسی روی آورده است که ناشی از بازاندیشی در درک پدیدارشناسی از سوژه و وضعیت ابژه‌ها نسبت به آن می‌باشد.

میلر و داس^۲ (۲۰۲۱)، در پژوهشی با عنوان «پساپدیدارشناسی مصرف و نزاع در اوقات فراغت شهری آمریکا» با رویکرد پساپدیدارشناسی به بررسی تجربه روزمره پیاده‌روی در مسیر تفریحی توسان شهر آریزونا به روش مشاهده مستمر پرداخته و به این نتیجه رسید که در جریان مسیر پیاده روی خرده فروشی به مسیر فضای فراغت سرازیر شده و از طرف دیگر مادی بودن جنگ به زندگی غیرنظامیان سرایت می‌کند در نتیجه این پژوهش پساپدیدارشناسی یک رویکرد مفید برای درک سیاست عاطفه در غیاب غرض ورزی روشن قلمداد شده است.

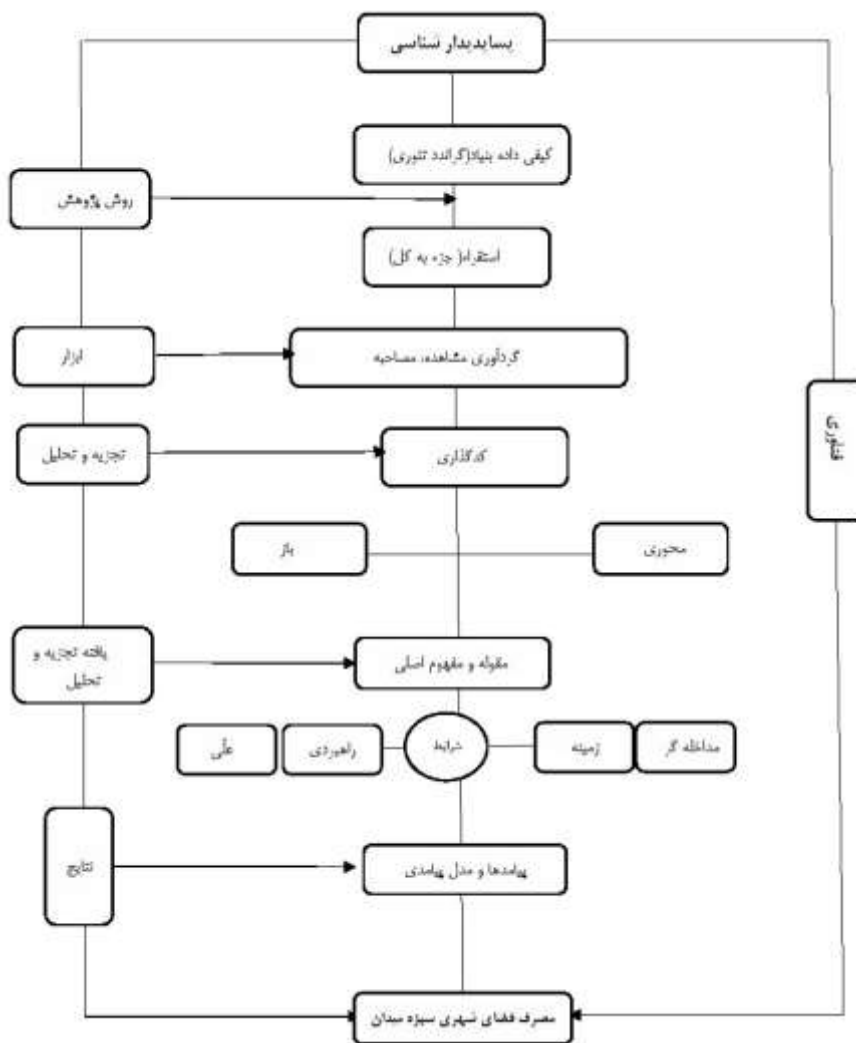
گاردنر^۳ (۲۰۲۴)، در مطالعه‌ای با عنوان «اخلاق و شهر هوشمند» با رویکرد پساپدیدارشناسی به بررسی تفکر فلسفی در مورد فناوری در شهر پرداخته و به این نتیجه دست می‌یابد که همراه کردن تفکر فلسفی در مورد فناوری با رویکردی مبتنی بر طراحی به فناوری شهری، راهی افزون‌تر برای ترسیم کاهش نگرانی‌های اخلاقی و کاوش چگونگی زندگی شهری با فناوری ارائه می‌کند. لذا تمرکز بر طراحی فناوری شهری برای پر کردن شکاف بین تمرکز اخلاقی بر اخلاق داده‌ها و نقد سیاسی - اخلاقی در سطح کلان پیشنهاد می‌کند.

مطالعه پیشینه نشان می‌دهد فضاهای شهری امروز به‌ویژه فضاهای عمومی آن با فناوری شکل یافته و فضای مصرف خود را نیز فناورانه نموده است. انسان در این فضا به واسطه فناوری از محیط استفاده نموده و با آن ارتباط برقرار می‌کند. عکس گرفتن، شارژ کردن، نمایش تبلیغات، گفتمان مبتنی بر فناوری، اینترنت، فضای مجازی، هم‌رسانی، اشتراک‌گذاری، شبکه‌های اجتماعی، دریافت و ارسال تصویر در فضای مجازی، کنش آنلاین و بسیاری از موارد دیگر در فضای فیزیکی نشان‌دهنده نسبت یافتن فناوری با فضای مصرف است. در واقع پساپدیدارشناسی فضای

1. Simapson & Ash
2. Miller & Das
3. Gardner

با استفاده از روش فن ممیزی انجام گرفته است که در آن مراحل کار توسط دو نفر متخصص و آشنا به فرایند تحلیل‌های کیفی داده‌بنیاد مورد تأیید واقع شد.

داده‌ها کدگذاری باز شده، سپس با اشتراک‌گذاری کدها، کدگذاری محوری و در نهایت با کدگذاری انتخابی مقوله‌ها و مفاهیم اصلی استخراج گردید. داده‌های در فرایند شرایط علی، زمینه‌ای، میانجی، راهبردی و پیامدی تفسیر شده است. اعتبار (تأییدپذیری)



شکل ۲. مدل عملیاتی - فرایندی پژوهش

تاریخی، گردشگری و مذهبی متعددی همچون بازار، مجموعه سبزه میدان، پیاده‌راه، مسجد جامع، مسجد محمد رسول‌الله، امارت ذوالفقاریه و امامزاده سیده‌ابراهیم است که هر یک به تناسب موقعیت مکانی، هویت ویژه‌ای به این بافت بخشیده‌اند (دویران، ۱۴۰۳).

فضای بافت مرکزی زنجان، همانند بسیاری از بافت‌های مرکزی شهری کشور، با ورود قانون معابر شهری دستخوش تغییرات ساختاری در استخوان‌بندی اصلی خود شده و شبکه ارگانیک آن با طرح‌های چلیپایی جای خود را به شبکه نوین داده

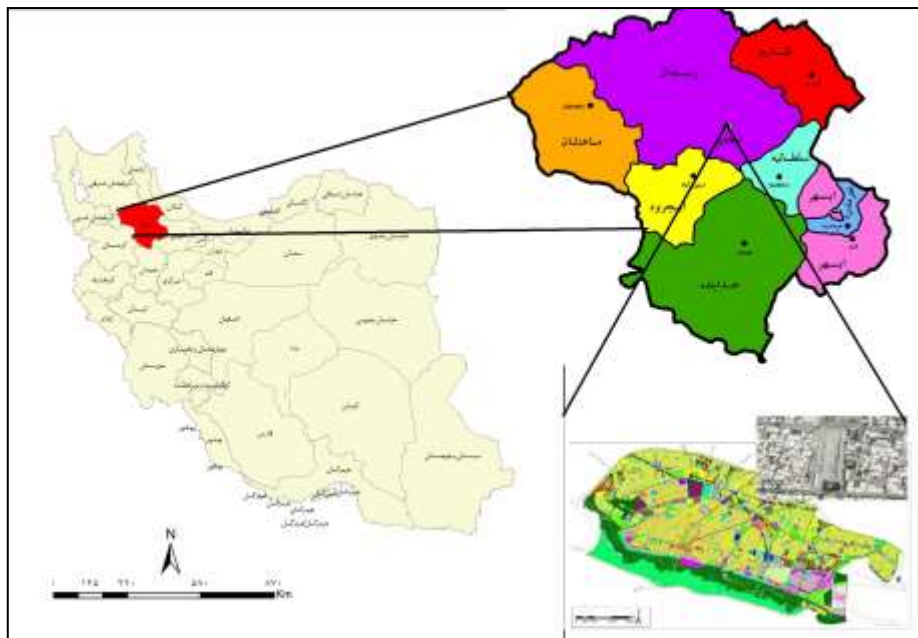
محدوده مورد مطالعه

شهر زنجان به‌عنوان یکی از شهرهای میانه‌اندام با دارا بودن جمعیتی بالغ بر ۴۳۰ هزار نفر و وسعتی حدود ۷ هزار هکتار در شمال‌غرب ایران واقع گردیده است. بافت مرکزی این شهر، همچون بافت مرکزی اکثر شهرهای تاریخی کشور، بافتی ارگانیک است که در گذر زمان متأثر از قوانین و طرح‌های مختلف شهرسازی دچار تغییر شده و استخوان‌بندی آن با چند خیابان چلیپایی ناشی از قانون توسعه معابر سال ۱۳۱۲ هویت یافته است. خیابان اصلی بافت مرکزی شهر در برگیرنده عناصر

باززنده‌سازی شده شهری است که با طراحی هویت‌بخش برگرفته از تاریخ، آداب‌ورسوم و صنایع هویتی زنجان، به‌عنوان پلازای شهری محلی برای تفریح و گذران اوقات فراغت و همچنین برگزاری مراسم‌های مختلف فراهم آورده است (دویران، ۱۴۰۲).
محدوده مورد مطالعه، فضای باز سبزه‌میدان زنجان است که عمدتاً با دو گونه طراحی پلکانی و باز میانی، مکان‌هایی برای نشستن، پیاده‌روی و گردش شهروندان ایجاد کرده است. به لحاظ قشربندی سنی، بخش میانی این فضا عمدتاً به جوانان و نوجوانان و در حد محدودتر به خانواده‌ها اختصاص یافته است (شکل ۳).

است. این تغییر در شبکه معابر موجب دگرگونی بسیاری از بناها شده و پوسته‌ای برگرفته از مدرنیسم بر کالبد شهر پوشانده است (طرح جامع شهر زنجان، ۱۴۰۰). یکی از این فضاها محدوده سبزه‌میدان شهر زنجان بوده که مدیریت شهری وقت با تخریب بسیاری از بناهای تاریخی و هویتی، آن را دچار اضمحلال کرده و به فضایی مرده بدل ساخت.

با این‌حال، در دهه گذشته با رویکرد تخصص‌گرایی و کنشگری مدیریت شهری، این محدوده در قالب طرح «فضای تنفس مرکز شهری» بازطراحی و نهایتاً در سال ۱۴۰۱ در وسعتی بالغ بر هفت هکتار به بهره‌برداری رسید. این مجموعه، فضای



شکل ۳. موقعیت محدوده مورد مطالعه در کشور ایران و استان زنجان

نیز توجه دارد. بیش از ۹۰ درصد کاربران تلفن همراه از گوشی‌های هوشمند استفاده نموده و به شبکه اینترنت متصل می‌باشند. نتایج حاصل از طبقه‌بندی داده‌های مصاحبه‌ای نشان می‌دهد مقوله‌های هم‌رسانی اطلاعات و فضای شهری، همزیستی فضا، فناوری و انسان، هم‌رسانی اطلاعات، ادغام، واسطه مشغولیت، واسطه دیدن و دیده شدن، فضای باز و فناوری، جذابیت و مطلوبیت مکان، موجودیت فرد در فضا، دعوت حضور، وابستگی و دل‌بستگی به فضا و فناوری، افراط و کنترل مصرف، حواس ادراکی محیط مقوله‌های مهم استخراج شده می‌باشد (جدول ۱).

پس از شناسایی و تعیین مفاهیم و مقوله‌ها نیاز به این بود که عناصر استخراج شده در چارچوبی مشخص در مدل زمینه‌ای مورد تحلیل قرار گرفت. مطابق با اصول نظریه زمینه‌گرا، ابعاد و

یافته‌ها

جهت تفسیر و تحلیل یافته‌های حاصل از مصاحبه از روش داده‌بنیاد استفاده گردید. طوری که ابتدا داده‌های جمع‌آوری شده کدبندی باز شده و با اشتراک‌گذاری و ادغام کدهای مشترک، کدگذاری محوری و انتخابی انجام و در نهایت مقوله‌ها و مفاهیم نهایی استخراج شد. یافته‌های حاصل از خلاصه‌سازی و کدگذاری باز نشان می‌دهد که تعداد کدهای باز حاصل شده بالغ بر ۴۸۰ کد بوده که با ادغام کدهای مشترک این مقدار به ۱۳۰ کد نهایی تقلیل یافت.

یافته‌ها نشان می‌دهد عمده استفاده کاربران از گوشی همراه استفاده از اینترنت برای هم‌رسانی و اشتراک‌گذاری دریافت و ارسال اطلاعات، شبکه‌های مجازی و تماس تلفنی می‌باشد که به‌صورت محدود به بازار کار مجازی (مانند رمزارزها، دلار و طلا)

وضعیت‌هایی می‌دانند که بر اتخاذ راهبردها و کنش و تعامل تأثیرگذار هستند. راهبردها (کنش و واکنش) مکانیزم و تدبیری است که در برخورد با پدیده به کار گرفته می‌شود. کنشگران جهت تحقق پدیده به تدبیری می‌اندیشند و بر اساس شرایط و امکانات موجود راهبردی را اخذ می‌کنند. هر جا انجام یا عدم انجام عمل، تعامل معینی در پاسخ به امر یا مسئله‌ای یا به‌منظور اداره یا حفظ موقعیتی از سوی فرد یا افرادی انتخاب شود، پیامدهایی پدید می‌آید. که برخی از آنها خواسته و برخی ناخواسته‌اند (غایب‌لو و دویران، ۱۴۰۳).

مؤلفه‌های مدل پارادایمی حاصل از فناوری در فضا مبتنی بر کاربران گوشی همراه در غالب ۵ بعد اصلی شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردی و پیامدی مورد بررسی قرار گرفت. شرایط علی در نظریه مبنایی به چرایی و چگونگی واکنش سوزها به یک پدیده خاص اشاره دارد (دویران، ۱۴۰۳).
شرایط زمینه‌ای مجموعه خاصی از شرایطند که در یک زمان و مکان خاص پدید می‌آیند تا مجموع اوضاع و احوال یا شرایطی را به وجود آورند که اشخاص یا افراد گروه‌ها با عمل و تعامل‌های خود به آنها پاسخ می‌دهند. شرایط مداخله‌گر و میانجی

جدول ۱. مفاهیم و مقوله‌های مصرف فضای شهری توسط انسان (کاربران فناوری)

مقوله	مفاهیم	کد نهایی	ضریب تکرارپذیری
همرسانی اطلاعات فضا	ارتباط رسانه‌ای، اشتراک‌گذاری، داده‌های مکان	ارسال و دریافت تصاویر از فضا، ارسال و دریافت سایر اطلاعات، ایجاد شبکه، معرفی محیط، بیان جاذبه‌های محیطی، بیان تاریخ شهر و فضای موجود، نمایش فضا، جذب مخاطب، شکل‌گیری گفت‌وگو میان کاربران محیط در بستر فناوریانه	۹۰
هم زیستی فضا، گوشی و انسان	نشستن، بکار گرفتن، دوست‌شدن، رهاکردن	گرفتن تصویر، استفاده از صندلی و پله، اشتراک‌گذاری محیط با فناوری، آرامش فضایی، تنوع محیط، تلاش برای رسانش فضا با فناوری، تأثیرپذیری و تأثیرگذاری، ارتباط دوجانبه، راحتی، ایستگاه‌های شارژ	۸۸
ادغام انسان و فناوری	جذب‌شدن، یکی‌شدن، لذت بودن،	کم‌توجهی به اطراف، تمرکز فناوریانه، با هم بودن، محدودشدن دید، فراموش کردن، کاهش تجسم فضا، محوریت فناوری، گشت در فناوری،	۹۰
واسطه مشغولیت	مکالمه، تفریح، سرگرمی،	حس آرامش کاذب، امنیت فضای فیزیکی، امنیت فضای فناوری، زمان تفریح، نفس کشیدن، راحت بودن، کاهش حس خفگی منزل، باز بودن فضا.	۸۷
واسطه دیدن و دیده شدن	نمایش، جذب مخاطب، نمایش فضا، ابراز وجود	ارسال و دریافت تصاویر فضا، جذب مخاطبان، دنبال‌کنندگان مجازی، معرفی محیط و خود، معرفی بدون مرز فضا به دیگران.	۹۵
هوای باز	آرامش فضا، امنیت فضا، تنفس، دلپذیری	هوای آزاد، کاهش خستگی، تمدد اعصاب، استفاده راحت از فناوری، امکان حرکت و ایستایش، گستردگی فضا و امکان صحنه‌سازی فناوریانه، تنوع نمایش محیط در فضای فناوری، لذت توأم با بهره‌برداری، طراحی مناسب، مطلوبیت مبلمان، بهداشت محیط، خدمات مناسب، دسترسی به شبکه‌های خدماتی، اینترنت، تنوع کاربران و تنوع شبکه‌های مجازی، شکل‌گیری گفت‌وگو میان مجازی، فراخی فضا، وسعت دید، حس بودن در فضای مجازی. امکان هم‌رسانی فیزیکی اطلاعات	۱۰۰
جذابیت و مطلوبیت مکان	خدمات، دسترسی، طراحی	حس بودن در فضای مجازی. امکان هم‌رسانی فیزیکی اطلاعات	۱۰۰
موجودیت فرد در فضا	تسلط، یکی‌شدن، حرایم	تسلط فناوری، کاهش حرایم خصوصی، چسبیده شدن به فناوری در فضای فیزیکی، فراموشی محیط، کاهش حس بودن در محیط، تمرکز بر فناوری همراه	۸۹
دعوت فضا برای فناوری	دعوت به استفاده، دعوت مجازی، تنوع و دعوت به اشتراک	نشستن و راحتی، دعوت به تصویربرداری، دعوت به ثبت لحظه‌ها، دعوت به هم‌رسانی، اشتراک‌گذاری اطلاعات محیطی، اخذ نظرات سایر کاربران، دریافت ایده‌ها، کنش مجازی، حضور همسالان	۹۲
وابستگی و دلبستگی فضا و فناوری	چشم‌انداز، تنوع مبلمان، تعاملی، حضور راحت، دسترسی مناسب، حضور همسالان	آرامش فضا، خلوت بودن، تراکم پایین، شلوغ نبودن، مبلمان و امکانات موجود در فضا، شارژ همراه، شبکه برق، قرارهای گروهی، حس راحتی، حضور همسالان، جنس مخالف، امکان مرادده و ارتباط بدون مزاحمت، ارتباط و کاربری‌های گروهی، سهولت اشتراک‌گذاری، دسترسی به تنوع کاربران	۹۰
افراط و کنترل‌پذیری	ادراک محیطی، حریم خصوصی، کنترل محیط، کنترل ذهن	کاهش تدریجی حس بودن در محیط، تسلط بی‌رویه فناوری بر فرد، ادغام‌شدن فرد در گوشی همراه، کاهش درک محیط، بی‌حالی تدریجی، کنترل خانواده، اعتیاد به فناوری، کاهش احترام به حرایم خصوصی، اشتراک‌گذاری بی‌رویه، گشت‌وگذارهای بدون مفهوم در فناوری. تأثیرپذیری افراطی	۸۴
حواس محیطی	حس تسلط، نبودن در فضا، تأثیرپذیری	کاهش شدید حواس محیطی، حس بی‌زمانی، بی‌توجه شدن، حس گم‌گشتگی در صورت حذف فناوری، ادغام‌شدن در فناوری، تمرکز بی‌رویه، حس تسلط فناوری بر فرد و فضا، جابه‌جایی و تنوع حرکت، استرس، دریافت پاسخ و درگیری ذهنی. غلبه زیست‌جهان مجازی در فضای فیزیکی. حس لامکانی شدن لحظه‌ای فرد با ادغام بی‌رویه در فناوری.	۸۹

فناوری همراه نشان می‌دهد که فضای شهری به دلیل ماهیت عمومی خود، حضور دیگر کاربران، باز بودن، تنوع عناصر و

شرایط علی پساپدیدار فضا

بررسی شرایط علی مصرف فضای عمومی مبتنی بر کاربران

در فضای فیزیکی (عینی) با بهره‌گیری از فناوری، تعامل چندسویه پیدا می‌کنند. اما به تدریج با افزایش زمان استفاده و کشش فناوری برای جذب بیشتر، فضا در فناوری ادغام شده و موجودیت عینی فضا توسط فرد به فراموشی سپرده می‌شود. در این شرایط کاربر برای مدتی کوتاه یا بلند با کاهش حواس محیطی در فضایی غیرعینی (مجازی) سیر می‌کند. این وضعیت گاهی تا حدی شدت می‌گیرد که فرد محیط اطراف و پدیده‌های تجربی را به کلی فراموش کرده، گویی جسم و جان او در فناوری ادغام شده و حس مکان از میان رفته است.

نتایج حاصل از شرایط علی نشان می‌دهد که در محدوده سبزه‌میدان زنجان، ارتباط فناوری، انسان و فضای شهری در کنار یکدیگر عمل می‌کنند. با این حال فناوری است که به مرور و در تناسب زمانی، غلبه خود را بر فضای شهری سبزه‌میدان و مصرف‌کنندگان (شهروندان) تحمیل می‌کند و آنان را تحت سلطه درمی‌آورد. به گونه‌ای که شهروندان استفاده‌کننده از فضا (عمدتاً جوانان) به مرور، فناوری همراه خود را در دست گرفته و پیوسته با آن مشغول می‌شوند.

اگرچه ممکن است در آغاز، نقش فضای کیفی سبزه‌میدان (به‌عنوان جهان زیست) و شهروندان (به‌عنوان مصرف‌کننده) پررنگ‌تر به چشم آید و فضا با عملکرد خود آنان را جذب کرده و نوعی تعامل دوطرفه ایجاد نماید، اما به تدریج با ارائه اطلاعات لازم به شهروند و تمایل وی به ثبت لحظه‌ها و معرفی فضای سبزه‌میدان از طریق فناوری، این فناوری است که در مرحله هم‌سانی با اشتراک اطلاعات، نقش خود را بر مصرف‌کنندگان فضای شهری (عمدتاً جوانان) تحمیل می‌کند. در واقع، فناوری در ادامه مسیر هم انسان را معرفی می‌نماید و هم فضای زیست شهری سبزه‌میدان را به جامعه یا مخاطبان خارج از فضای زیسته در شبکه‌های مجازی منتقل می‌سازد (جدول ۲).

المان‌های شهری، جاذبه‌های محیطی، نبود محدودیت‌های کنترلی والدین، نبود محدودیت‌های به‌کارگیری تلفن همراه در فضاهای بسته مانند منزل، امکان به‌اشتراک‌گذاری تصاویر محیطی، امکان نشست و هم‌سانی اطلاعات به‌صورت فردی و جمعی، گفت‌وگوی فیزیکی و مجازی بدون مزاحمت، دیدن دوستان و همسالان، امکان حرکت مداوم در محیط و رفع خستگی‌های ناشی از استفاده طولانی از گوشی همراه، مصرف فضا را شکل می‌دهد.

مطالعه نشان می‌دهد که کاربران در فضای عمومی مورد مطالعه با استفاده از اینترنت و شبکه‌های مجازی به هم‌سانی اطلاعات در فضا پرداخته و ضمن اشتراک‌گذاری داده‌ها، به معرفی فضا نیز می‌پردازند. بررسی‌ها بیانگر آن است که کاربران با هدف تفریح و گردش در محیط حضور یافته و با تداوم حضور خود، از طریق ثبت و اشتراک لحظه‌ها توسط فناوری، تجربه زیسته خویش را استمرار می‌بخشند. به گونه‌ای که در شبکه‌های مختلف اجتماعی از جمله اینستاگرام و تلگرام، محیط را معرفی کرده و فضای زنده را به نمایش می‌گذارند. در عین حال، با دریافت بازخوردها و نظرات، تأثیرپذیری و تأثیرگذاری خود از فضای مصرف را نیز آشکار می‌سازند.

فضای مورد مطالعه، علی‌رغم ماهیت فیزیکی خود، توسط فناوری گوشی همراه معرفی شده و با کاربر انسانی در نقش معرفی‌کننده ادغام می‌شود. مرزهای این معرفی در بستر فضای مجازی نامحدود بوده و به جغرافیای خاص و معینی محدود نمی‌گردد. با این حال، همین فضا به دلیل وابستگی و دعوت‌شدن کاربران به استفاده بی‌رویه از فناوری، به تدریج ماهیت فیزیکی خود را کم‌رنگ‌تر کرده و انسان به واسطه مشغولیت با فناوری و کاهش حس ادراک محیطی، بیش‌تر درگیر زیست‌جهان مجازی می‌شود. این روند در مراحل اولیه چندان محسوس نیست و کاربران

جدول ۲. چرخه علی پساپدیدارشناسی مصرف فضاهای شهری

مفاهیم کلیدی شرایط علی	چرخه علی	نقش و تعامل انسان، فضا و فناوری در پساپدیدارشناسی فضای شهری
		انسان
	۱	حرکت و حضور
	۲	دریافت داده
	۳	انتخاب و ابزار ثبت
	۴	ارسال و دریافت
	۵	ارسال و دریافت
	۶	کاهش ادراک محیطی
	۷	باز حرکت
	۸	دریافت داده مجدد
	۹	حضور مجدد
ادراک محیطی، دعوت واسطه، مشغولیت، ادغام، اشتراک، تعامل		فناوری (شبکه)
		فضای شهری
		دعوت اولیه
		ارائه داده
		ثبت داده‌ها
		اشتراک‌گذاری
		گسترش
		وابستگی و دل‌بستگی
		حذف تدریجی
		با دعوت تدریجی
		ثبت مجدد
		دعوت مجدد
		اشتراک‌گذاری مجدد

شرایط زمینه‌ای پساپدیدار فضا

این شرایط محصول چگونگی تلاقی و تلفیق شرایط علی می‌باشد (استراوس و کوربین، ۱۳۹۲). شرایط زمینه‌ای منجر به چگونگی مصرف فضا در فضاهای عمومی (سبزه‌میدان زنجان) را می‌توان جذابیت فضا و ماهیت جمع‌گرا بودن آن دانست که کاربران گوشی همراه را برای مصرف مبتنی بر فناوری به‌سوی خود می‌کشاند. جاذبه‌های مکانی و تمایل انسان به حضور در این جاذبه‌ها منجر به حضورپذیری آنان در فضا می‌شود.

در این میان فناوری (گوشی همراه) با تأثیر از شرایط زمانی و مکانی به‌عنوان ابزار ثبت‌کننده و انتقال‌دهنده اطلاعات فضا وارد عمل شده و جاذبه‌ها و رفتارهای انسان و محیط را ثبت، نگهداری و اشتراک‌گذاری می‌کند.

شرایط زمینه‌ای مصرف فضای شهری سبزه‌میدان نشان می‌دهد این فضا به دلیل مطلوبیت و کیفیت محیطی، وجود امکانات و خدمات، دسترسی به حمل‌ونقل شهری، جاذبه‌های تاریخی اطراف، موجودیت در مرکز شهر، گستردگی فضا، طراحی و مبلمان مناسب، نورپردازی، امنیت و ایمنی شبانه‌روزی، آرامش و سکوت، طراحی در سطح پایین‌تر از کف محور و قرار گرفتن فضای پیاده‌روی، نشستن، ورزش کردن و دورهمی در کنار هم، موجب شده است که انسان ارتباط مناسبی با فضای شهری برقرار کند و برای ثبت این فضا از فناوری استفاده نماید.

در چنین فضایی ناگزیر انسان دعوت به ثبت لحظه‌ها و

اشتراک‌گذاری آنها می‌شود. گرچه فناوری به دلیل تنوع و گستردگی نامحدود داده‌های آن به‌تدریج انسان را در خود ادغام کرده و ادراک محیطی وی را کاهش می‌دهد، اما آغاز این فرایند از دعوت فضای شهری است که مسیر حرکت و حضور انسان را پایه‌گذاری می‌کند و او با بهره‌گیری از فناوری خود را به دیگران معرفی می‌نماید.

یافته‌ها نشان می‌دهد در فضای سبزه‌میدان تلاقی انسان، فضای شهری و فناوری با هم تلفیق شده است. چگونگی این تلفیق وابسته به شرایط محیطی و دعوت آن به حضور انسان است. شرایط محیطی به‌گونه‌ای طراحی شده که جوانان و نوجوانان تمایل به حضور در آن داشته و بخشی از زیست روزانه خود را با مشغولیت در آن سپری می‌کنند.

در این میان، فناوری با ثبت رویدادها و جریان‌های زیستی فضای شهری این تلفیق را کامل می‌نماید. گرچه در ادامه مصرف، با تغییر مستمر نقش خود، فضای شهری را کم‌رنگ‌تر کرده و بر آن چیره می‌شود، با این‌حال در شروع مصرف فضا، هر سه (انسان، فضای شهری و فناوری) در تعامل با یکدیگر تلفیق می‌یابند (جدول ۳).

جدول ۳. چرخه زمینه‌ای پساپدیدارشناسی مصرف فضاهای شهری

مفاهیم کلیدی شرایط زمینه‌ای	نقش زمینه‌ای	انسان	تلاقی و تلفیق انسان، فضا و فناوری در پساپدیدارشناسی فضای شهری سبزه‌میدان
زمینه اول	تمایل به گشت و حرکت	جذابیت و کیفیت	فناوری (شبکه) فاقد نقش (ساکت و خاموش)
زمینه دوم	زمینه انتخاب فضا گرایش به حضور	دعوت به حضور	فاقد نقش (زمینه گرفتن نقش)
زمینه سوم	حضورپذیری	چشم‌انداز و نگاه فردی و جمعی	تمایل به پذیرش نقش
زمینه چهارم	دریافت و ادراک محیط	ارائه ابعاد زیباشناختی	پذیرش نقش ثبتی
زمینه پنجم	گشت و تفریح فردی و گروهی	تداوم مصرف	ثبت اولیه
زمینه ششم	تداوم و تراکم گشت و تفریح (اوج بهره‌برداری)	تداوم مصرف (اوج مصرف)	تداوم و تراکم ثبت (اوج به‌کارگیری)
زمینه هفتم	تمایل به ایستایش و توقف	تمایل به کاهش بهره‌برداری	تمایل به هم‌رسانی
زمینه هشتم	نشستن و توقف	کاهش و تغییر نوع مصرف	هم‌رسانی و اشتراک‌گذاری فردی و گروهی
زمینه نهم	پایش موردی - یکی‌شدن با فناوری	ادغام با فناوری	غلبه و تسلط
زمینه دهم	بازگشت و دریافت و ادراک محیط	کاهش ادراک محیطی	اخذ بازخورد و تداوم و اصلاح هم‌رسانی
		دعوت مجدد به اصلاح	ثبت مجدد و تداوم استفاده

شرایط مداخله‌گر پساپدیدار فضا

شرایط میانجی یا مداخله‌گر به عوامل و عناصر مناسب یا نامناسب اشاره دارند که اثرات یک یا چند عامل تغییر را کندتر یا فعال‌تر می‌سازند (محسنی تبریزی، ۱۳۹۵). یافته‌های حاصل از مشاهده و مصاحبه با

کاربران گوشی همراه در فضای شهری سبزه‌میدان زنجان نشان می‌دهد جاذبه‌های ورودی فضا چنان متنوع است که انسان در ابتدا از ورود به فضای شهری لذت برده و به دنبال تنوع مصرف چشم‌اندازهای مکانی است. این ورود توأم با حرکت به فضاهای مختلف و گشت‌وگذار

تفریح و مسابقه گذاشتن، استفاده از ابزارهای موسیقی و بازی فیزیکی، شکل‌دادن به قرارگاه‌های گروهی، پیاده‌روی و ورزش در فضا، بر اثرات تسلط و چیرگی فناوری در فضای مصرف کنترل داشته باشند. از طرف دیگر اقداماتی مانند ایجاد و طبقه‌بندی اطلاعات و ابزار فناوری (گوشی)، تعیین حدود برای هم‌رسانی اطلاعات، محدود کردن اشتراک‌گذاری، عمومیت بخشیدن به اطلاعات عمومی و ایجاد حریم امنیتی در فضای مجازی، از جمله راهکارهای کاربران برای مدیریت تأثیرات فناوری است.

در سوی دیگر، مدیریت شهری با برگزاری برنامه‌های موردی مانند جشن‌ها، اعیاد، گردهمایی‌ها، برنامه‌های طنز، نمایشگاه‌های هنری، اجرای تئاتر خیابانی و ایجاد جذابیت‌های مصنوعی مانند نورپردازی، آب‌نما، المان‌های موقت و وسایل تفریحی سیار، فضای شهر را فعال نموده و تجربه زیست فیزیکی کاربران را افزایش می‌دهد. گرچه این اقدامات نه بر اساس مطالعه پس‌پدیدارشناسی فضای شهری، بلکه بر اساس رویکردها و برنامه‌های فرهنگی شهر برای سرزنده‌سازی ساکنان صورت می‌گیرد، اما به‌عنوان راهبردی مؤثر در افزایش کیفیت سرزندگی کاربران فضای شهری عمل کرده و می‌تواند با اهرم‌های کنترلی، تعادل ارتباطی بین انسان، فضا و فناوری را ایجاد نماید (جدول ۵).

درگیر شدن بیش از حد با فناوری، موجودیت یافتن و تسلط فناوری بر فرد و محیط، کیفیت نامطلوب و آلودگی برخی مکان‌های فضا، بی‌توجه شدن تدریجی انسان به فضا از طریق فناوری، عادت‌کردن به فضا و کاهش تدریجی حس به محیط، محوریت تدریجی فناوری، هم‌رسانی نامحدود و بدون کنترل اطلاعات و داده‌های محیطی، مسائل مربوط به حریم خصوصی، انحصار تدریجی فضا به گروه‌های خاص و کاهش عمومیت آن، از جمله مواردی است که به‌عنوان چالش‌های اصلی شناخته شده است.

اقدامات و راهبردهای کنترلی مسائل علی، زمینه‌ای و میانجی از سوی کاربران گوشی همراه (مصرف‌کنندگان فضا) و مدیریت شهری صورت می‌پذیرد. گرچه ارتباط بین اقدامات مدیریت شهری با آنچه که چالش‌های فناوری در فضای مصرف است مشخص نیست، با این حال فرایندهای اقدامی آنان بر چالش‌های مصرف فضا اثرگذار می‌باشد.

نتایج مطالعات نشان می‌دهد که کاربران هر چند با گشت فیزیکی محدود و ایجاد گفت‌وگو با دوستان سعی در ایجاد تعادل بین استفاده از فناوری و استفاده فیزیکی از فضای مصرف دارند، ولی این مقدار بسیار محدود است. ایجاد تعادل بین تجربه عینی زیست در فضای شهری و فناوری مبتنی بر هم‌رسانی مجازی اطلاعات، گرچه مورد علاقه کاربران می‌باشد، اما در عمل این فناوری است که به تدریج بر دو عنصر دیگر غلبه یافته و جایگاه خود را تثبیت می‌کند.

کاربران تلاش دارند با راهبردهایی مانند: گشتن فیزیکی، گفت‌وگوی گروهی، کنار گذاشتن لحظه‌های فناوری (گوشی هوشمند)، دیدن،

جدول ۵. راهبردهای پس‌پدیدارشناسی تعادل مصرف فضاهای شهری

مفاهیم کلیدی راهبردها	برنامه‌ریزان (اقدام‌کننده)	راهبردهای کنترلی ارتباط انسان، فضا و فناوری در پس‌پدیدارشناسی فضای شهری سبزه‌میدان
گفت‌وگو، برنامه‌ها، امنیت، تسلط، کیفیت، تفریح، کنترل، تعادل	کاربران	رهاکردن لحظه‌ای، پیاده‌روی کردن، گشتن، گفت‌وگو و صحبت کردن چهره‌به‌چهره، امن‌سازی فناوری، ارتقا امنیت اطلاعات و فناوری، مسابقه‌گذاشتن، تعادل‌سازی کاربرد، محدودکردن اشتراک و هم‌رسانی اطلاعات، استفاده مؤثر و کاربردی بازی کردن، حریم امنیتی خصوصی، طبقه‌بندی اطلاعات، رمزگذاری اطلاعات، محدودکردن برگزاری جشن‌ها و مراسم، تئاتر خیابانی، موسیقی صحنه‌ای، بازی‌های سیار، تحرک‌بخشی با ابزارهای سیار، برنامه‌های فرهنگی، متنوع کردن فضا با المان‌ها سیار، تجهیزات تفریحی سیار، نمایشگاه‌های هنری دوره‌ای، گردهمایی‌ها،

شرایط پیامدی پس‌پدیدار فضا

شرایط پیامدی حاصل شرایط علی، زمینه‌ای، میانجی و راهبردی است که منجر به توسعه یا عدم توسعه می‌شود. این پیامدها ممکن است مثبت یا فعال و منفی یا مانع شناخته شوند (غایب‌لو و دوبران، ۱۴۰۳). در فضای تعاملی انسان، جهان زیست و فناوری، این فناوری است که به تدریج بر انسان و فضای زیسته غلبه نموده و در خود ادغام می‌کند. اثرات پیامدی این ادغام تابع شدن فضا و انسان به فناوری و عمل بر اساس داده‌های آن است. گرچه فناوری داده‌های هم‌رسانی خود را از انسان و فضا می‌ستاند، ولی در فرایند اشتراک‌گذاری با دریافت حجم انبوه اطلاعات متنوع، انسان را وادار به اطاعت‌پذیری نموده و به تدریج

وی را در فضای غیرعینی خود حبس می‌کند. در این بین فضای شهری به فراموشی سپرده شده و به انزوا می‌رود. گرچه فضای فیزیکی همچنان قابل استفاده است، اما انسان مستقر در آن به واسطه مشغولیت در فناوری (گوشی هوشمند) حس بودن در فضا را کم‌رنگ‌تر تجربه می‌کند. ارتباط انسان با فضا که پیش‌تر به واسطه کیفیت فضا حس حضور، لذت و تجربه زیست عینی را پدید آورده بود، به تدریج تحت تأثیر فناوری تغییر ماهیت داده و فضا را به محلی برای کاربرد فناوری بدل می‌کند. فناوری با نگرش جذب، هضم، تسلط و نمایش قدرت خود، انسان را به سوی خود کشانده و با ارائه اطلاعات متنوع وی را به انزوای فضای فیزیکی (جهان زیست) سوق می‌دهد.

افزونی داده‌های زائد، گسترش بی‌رویه و افزایش اعتمادناپذیری اشاره کرد. این پیامدها مانعی جدی بر ایجاد تعادل پیوند بین انسان، زیست‌جهان و فناوری محسوب می‌شوند.

با این حال، در سوی دیگر، پیامدهای فعال و مثبت نیز وجود دارند. این پیامدها شامل: هم‌رسان شدن انسان و محیط، اخذ بازخوردهای محیطی، شکل‌گیری شبکه‌های ارتباطی بدون مرز، افزایش آگاهی، تبادل مستمر اطلاعات، جهانی شدن فضا، افزایش خدمات، دعوت‌پذیری محیط، اصلاح و متنوع‌سازی فضا، معرفی و دیده شدن، جذب افراد جدید، گسترش گردشگری، نمایش هویت و فرهنگ بومی شهر، تقویت حس مکان، آینده‌نگری، مدیریت فضا، نمایش فرهنگ شهری، اثرگذاری و اثرپذیری، برجسته شدن نقاط دیدنی، افزایش پژوهش و آموزش، سرعت‌بخشی به هم‌رسانی، انتقال پیام‌های ادراکی و دسترسی آسان به اطلاعات سایر فضاهای شهری است. به این ترتیب، تعامل انسان، فضا و فناوری در بردارنده هر دو طیف پیامدهای مثبت و منفی است که هر یک نقش مهمی در شکل‌گیری کیفیت تجربه زیست شهری ایفا می‌کنند (جدول ۶).

بعد فضایی پیامدهای مانع و منفی این افراط را می‌توان در مواردی همچون: تسلط‌پذیری، ایجاد فاصله عین و ذهن بین انسان و فضا، کاهش تحرک، گسسته شدن پیوندهای انسان و محیط، دفع شدن تدریجی فضا، کاهش مطلوبیت محیطی، ابزاری شدن کاربرد، نمایشی شدن، کاهش مصرف، لحظه‌ای شدن دلبستگی و حس مکانی، تعادل‌ناپذیری کیفی، تبدیل شدن فضا به محیط تصویرسازی و کاهش ادراک محیط جستجو نمود.

از بعد روان‌شناختی، پیامدهای منفی در برگیرنده انزوای تدریجی اجتماع فیزیکی انسان در فضای شهری و گرایش به فردی شدن مصرف فضا، حس نبودن در فضای فیزیکی، لذت بردن مجازی، گوشه‌گیری فیزیکی، افراط در وابستگی به فضای فناورانه، کاهش ادراک محیطی، چالش‌های حریم خصوصی، گم‌گشتگی در فضای ذهنی فناورانه، کاهش حواس، تغییر نگرش محیطی، کاهش تماس عاطفی، افت گفت‌وگو و کنشگری فیزیکی و جایگزینی تجربه‌های حضوری با نمایش ذهنی هستند.

در این میان، خود فناوری نیز از پیامدهای منفی در جریان تعامل بی‌بهره نیست. از جمله می‌توان به افراط در کاربرد، تسلط ناپایدار، عملکرد یک‌طرفه، چالش‌های امنیتی و حریم خصوصی، اشباع مصرف، تخریب ذهنی، دشواری تشخیص داده‌های حقیقی، فشار ذهنی و خستگی طولانی، سرقت اطلاعات، باج‌گیری،

جدول ۶. پیامدهای پساپدیدارشناسی مصرف فضاهای شهری

شرایط پیامدی	عوامل مانع (منفی)	عوامل با اهمیت (شدت اثرگذاری منفی)	عوامل فعال (مثبت)	عوامل با اهمیت (شدت اثرگذاری مثبت)
انسان	موجودیت انسان، درگیر شدن مسائل روان‌شناختی، ادغام در فناوری، حس نبودن فیزیکی در فضا. سکون در مکان ثابت، افراط و وابستگی، تعادل ناپذیری در استفاده فضا، جایگزین شدن ذهن با عین، خیال‌باز تجربه، انزوای تدریجی در زیست‌جهان، تغییر نگرش، دریافت اطلاعات خارج از فضای زیست، کاهش ادراک محیطی، حس مکان، گرایش به دیده شدن تا دیدن، کاهش تماس‌های عاطفی، تحریک‌پذیری از فضای فناوری، تحرک ناپذیری، کاهش حس دیدن، شنیدن و لمس فضا، کاهش ارتباط چهره‌به‌چهره و گفت‌وگو فیزیکی. حریم خصوصی، تأثیرپذیری افراطی.	کاهش روابط و کنش‌های فیزیکی اجتماعی، فرو رفتن در انزوای فردی، کاهش حس ادراک محیطی در فضا سبزه‌میدان	دسترسی آسان به اطلاعات، داده‌های محیطی، بازخورد، آموزش‌پذیری، افزایش سرعت، انتقال هویت و فرهنگ، کنش‌پذیری، هم‌رسان شدن، شکل‌گیری شبکه‌های ارتباطی، جذب گردشگر، اصلاح و اثرگذاری، انتقادپذیری، معرفی هویت شهری، گسترش ارتباط انسانی.	شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی در بستر فضای مجازی، هم‌رسانی اطلاعات
فضای شهری	کاهش تدریجی مطلوبیت، انزوای فضا، رهاشدگی مکان‌ها، حس لامکانی، حاشیه رفتن و حذف تدریجی، ذهنی شدن، کوتاه شدن زمان کاربرد، لحظه‌ای شدن حس دلبستگی به مکان و فضا، کاهش وابستگی و لذت از محیط، کاهش تجربه زیست در فضا، جدایی انسان و بی‌روح شدن، گسسته شدن پیوندهای فضا و انسان، دفع تدریجی.	کاهش وابستگی و حس تعلق به فضا و کوتاه شدن زمان کاربرد	معرفی فضا به دیگران، افزایش کیفیت، متنوع‌سازی، تولید محتوا، مکان‌پذیری هوشمند، برجسته شدن، جهت‌گیری فضا، انطباق با فناوری، مدیریت فضا، جهانی شدن، دعوت‌پذیری، مصرفی شدن فناورانه، دیده شدن، بازخوردپذیری و اصلاح کیفیت.	برجسته شدن فضای سبزه‌میدان، بازخوردپذیری و اصلاح کیفیت فضا
فناوری	افراط و سلطه، قدرت‌طلبی، اغراق و غلو، امنیت، مسئله تشخیص واقعیت و حقیقت، صحت اطلاعات، سواد رسانه‌ای، تصویرسازی اغراق‌آمیز، اشباع و حاشیه روی، فشار ذهنی و خستگی‌پذیری، سرقت اطلاعات، سوار شدن بر فضا و انسان و عدم اهمیت به آنان، جهت‌گیری پشت به انسان و فضا، پراکنده شدن، دعوت افراطی، تحریک انسان.	افراط و سلطه، فشار ذهنی و خستگی‌پذیری و تحریک بر استفاده	حذف مرزهای جغرافیایی، هم‌رسانی اطلاعات، اشتراک‌گذاری داده‌ها، ارتباط در لحظه، تسهیل بازخورد، آگاهی‌دهنده، ارائه محصول، الگوهای طراحی، اقتباس و متنوع‌سازی، تولید محتوا، انتقال پیام، محرک حضور و قدرت جذب، دریافت و ارسال در لحظه.	حذف مرزهای جغرافیایی رسمی، ارتباط در لحظه با جهان

است. فناوری نیز در نسبت این اندازه وارد رابطه شده و آن را ثبت می‌کند. در صورت اشباع داده‌ها، زمان رجوع به فناوری کوتاه‌تر شده و داده‌های اخذشده از طریق آن به اشتراک گذاشته می‌شود. حتی پس از اتمام داده‌های محیطی، فناوری به سمت دریافت و ارسال داده‌های غیرمرتبط حرکت می‌کند و بدین ترتیب محتوای فناوریانه، تجربه فضای شهری را تغییر می‌دهد.

در چنین شرایطی حس مکانی حضور در فضا منقطع شده و فضا به انزوای کاربردی می‌رود. انسان همانند موجودی ساکن و بی‌روح که غرق در فناوری است، تنها حضور جسمانی در فضا می‌یابد. مراحل شکل‌گیری پساپدیدارشناسی فضای شهری را می‌توان در سه مرحله توضیح داد: در مرحله اول، دعوت فضا، حضور انسان و ثبت فناوری رابطه‌ای متعامل و نسبتاً متعادل برقرار می‌کنند. اما با اشباع مصرف فیزیکی و کاهش تنوع، به تدریج فناوری و انسان تغییر الگوی مصرف را انتخاب کرده و انسان در خدمت فناوری قرار می‌گیرد.

در این فرآیند، فناوری با حس برتری‌جویی، فضا را به حاشیه رانده و آن را در خود ادغام می‌کند. با جذب انسان و ادغام وی در ساختار داده‌ای، فناوری با عناصری مانند همسرانی، اشتراک‌گذاری و بازخورد، فضا را در بعد فیزیکی به انزوا می‌برد. این روند به تدریج انسان را نیز منزوی کرده و او را در فضای شهری به حالت سکون هدایت می‌کند؛ جایی که انسان بدون ادراک محیطی، تنها در گوشه‌ای مشغول استفاده از فناوری است.

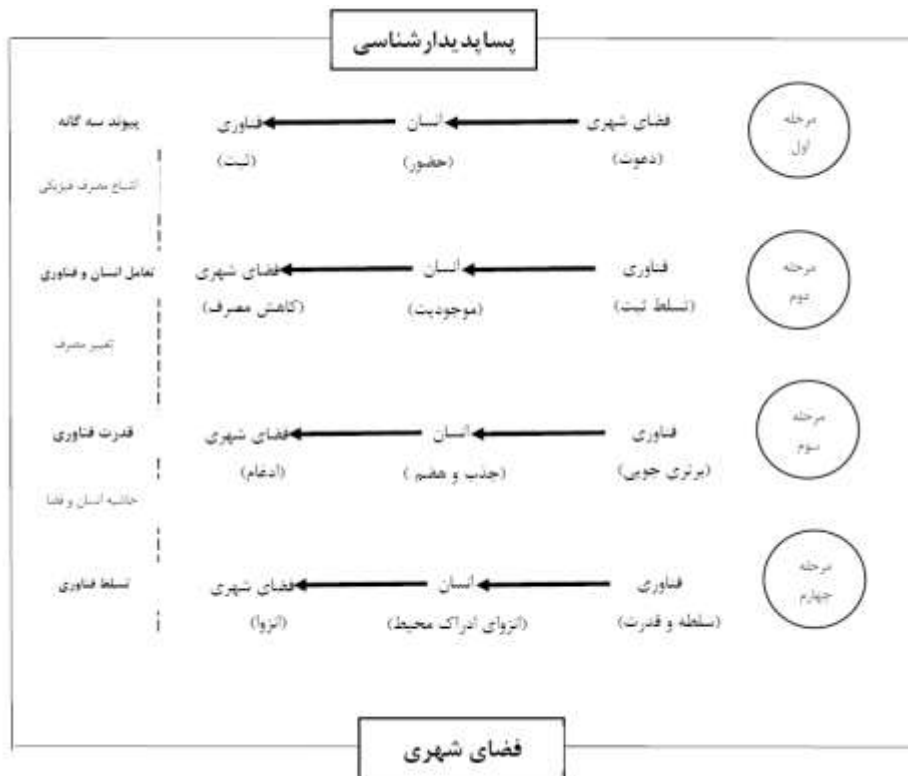
فرایند استفاده از فناوری در فضای مصرف شهر ابتدا با همسرانی داده‌های محیطی ثبت‌شده آغاز می‌شود که مزایای متعددی مانند معرفی، هویت‌سازی، جذب گردشگر، اخذ بازخورد، انتقال پیام هویت و فرهنگ شهری و توسعه کنش‌های مکانی را به همراه دارد. اما در ادامه، با اتمام داده‌های محیطی، مصرف فناوری تغییر مسیر داده و به کاوش داده‌های غیرمحیطی و غیرمرتبط با فضای شهری می‌پردازد. در این نقطه، علی‌رغم حضور جسمانی، رابطه انسان با فضا قطع شده و انسان به واسطه فناوری در فضایی غیر از فضای شهری سیر می‌کند (شکل ۴).

رده‌بندی حاصل از کدهای مطالعاتی (طبقه‌بندی گزاره‌های مصاحبه) نشان می‌دهد شدت و ضعف پیامدی مصرف فضا در ارتباط با فناوری به میزان مصرف فناوری بستگی دارد. به‌کارگیری فناوری و اشتراک داده‌ها به‌خودی‌خود عامل منفی محسوب نمی‌شود؛ بلکه آنچه پیامد منفی ایجاد می‌کند، افراط در استفاده است که به سلطه و تسلط‌پذیری فناوری منجر می‌شود.

یافته‌های حاصل از مصاحبه و مشاهده نشان می‌دهد پیامدهای منفی مانند کاهش روابط و کنش‌های فیزیکی-اجتماعی، فرو رفتن در انزوای فردی و کاهش حس ادراک محیطی در فضای سبزه‌میدان از مهم‌ترین موارد هستند که بیش‌ترین شدت اثرگذاری آنها بر بعد انسانی مشاهده می‌شود. در بعد فضای شهری، کاهش وابستگی و حس تعلق به فضا و کوتاه شدن زمان کاربرد و در بعد فناوری، افراط و سلطه، فشار ذهنی، خستگی‌پذیری و تحریک بر استفاده، دارای شدت اهمیت بیش‌تری در پیامدهای منفی هستند.

در سوی دیگر، مهم‌ترین پیامدهای مثبت فناوری که شدت اهمیت بالاتری دارند شامل همسرانی و اشتراک‌گذاری فضاهای شهری در شبکه کنشی جهانی و انتقال هویت و فرهنگ سرزمینی محلی (مانند فضای گردشگری سبزه‌میدان) است که بیش‌ترین اثرگذاری مثبت را در بعد انسانی فناوری نشان می‌دهد. در بعد فضای شهری، معرفی فضا به دیگران، برجسته‌شدن فضای سبزه‌میدان، بازخوردپذیری و اصلاح کیفیت فضا اهمیت بیش‌تری دارند. همچنین در بعد فناوری، حذف مرزهای جغرافیایی، ارتباط لحظه‌ای با سراسر دنیا از طریق فضای سبزه‌میدان و ارائه محصول بر اساس الگوهای طراحی شهری مرکز شهر اهمیت بیش‌تری یافته‌اند.

پیامدهای حاصل از شرایط علی، میانجی، زمینه‌ای و کنترلی نشان می‌دهد که رابطه انسان و فضای شهری به‌واسطه فناوری همانند یک شمشیر دو لبه است. اگر تعادل بین آنها برقرار نشود، انزوا و حذف متقابل را در پی خواهد داشت. مطالعه نشان می‌دهد تمرکز انسان بر استفاده فراتر از نیاز فناوری ناشی از محدودیت‌های فضا است که مصرف انسان را به اشباع می‌رساند و او را به سمت مصرف بی‌رویه فناوری سوق می‌دهد. محیط تنها تا زمانی با انسان رابطه برقرار می‌کند که دارای داده و ستانده باشد. اندازه و تنوع این داده‌ها در میزان گسترش رابطه تأثیرگذار



شکل ۴. مراحل پیامدی رابطه انسان، فضای شهری و فناوری در پساپدیدارشناسی فضای شهری سبزه میدان

می‌کشاند که حس حضور در فضای زیسته جای خود را به حس حضور در فضای ذهنی مجازی می‌دهد.

این پژوهش با بررسی ابعاد مختلف چگونگی مصرف فضا در ارتباط با فناوری و با جامعه هدف کاربران گوشی هوشمند به این نتیجه دست یافت که فناوری پیامدهای مانع و فعال در چگونگی زیستن انسان در فضای شهری ایجاد می‌کند. پیامدهای منفی که انسان خود آن را سبب‌سازی می‌کند و با گرفتار شدن در آن ادغام می‌شود. پیامدهای مثبتی که فضا را معرفی کرده و هویت محلی و بومی را به خارج از مرزهای جغرافیایی ساکن می‌گستراند.

یافته‌ها نشان داد جامعه مورد مطالعه ارتباط خود با فضای شهری را به‌گونه‌ای نظام داده است که با مقدار و تنوع اطلاعات ارائه شده در فضا از فناوری استفاده نماید. هرچه قدر مقدار و تنوع اطلاعات (المان‌ها، مبلمان، برنامه‌ها، مکان‌ها، جذابیت‌ها، کیفیت‌ها، مطلوبیت‌ها) فضا بیش‌تر باشد، به همان اندازه دعوت‌پذیری فضا برای مصرف بیش‌تر گردیده و تعادل بین فضای زیست، انسان و فناوری بیش‌تر می‌شود.

فضای سبزه‌میدان زنجان علی‌رغم طراحی مناسب و کیفیت محیطی مطلوب، نسبتاً محدودی در اختیار انسان قرار داده و با اشباع مصرف تنوع، تعامل فضا، انسان و فناوری را برهم زده و به‌تدریج فناوری را بر مصرف زیسته فضا غالب می‌کند. در این

بحث و نتیجه‌گیری

رابطه انسان و فضای جغرافیایی رابطه‌ای است ناگسستنی که اساس آن را زیستن انسان می‌دانند. جهان زیسته انسان همان فضای جغرافیایی است که هم شکل می‌گیرد و هم شکل می‌دهد. اثرگذاری و اثرپذیری پدیدار جهان زیست و انسان دیزاینی به گونه‌ای است که نمی‌شود یکی بر دیگری برتری داد و این رابطه، رابطه‌ای متعامل است.

با ورود فناوری که آن هم محصول انسان است، این رابطه تغییر تدریجی می‌یابد. فضای شهری دعوت می‌کند، انسان حضور و استفاده می‌نماید و فناوری جهان زیست و حضور را ثبت می‌کند. در فرایند دعوت، حضور و ثبت، رابطه و کارکرد مشخص و منظم وجود دارد که گاهی فضا، گاهی انسان و گاهی فناوری عملکرد می‌یابند.

اما در ادامه با اشباع دیدن و گشتن و البته خسته شدن، تمایل به استراحت، نشستن و مرور در فضای زیست شکل می‌گیرد. فناوری (گوشی هوشمند) از انسان دعوت به استفاده می‌نماید. پاسخ مثبت انسان به حضور فناوری، آغازگر حرکت در بستر فناوری است که با بررسی و مرور اولیه لحظات ثبت‌شده آغاز و سپس با اشتراک‌گذاری و هم‌رسانی ادامه می‌یابد. به‌تدریج فناوری با قدرت جذب، انسان را در خود آمیخته و چنان به‌سوی خود

راهکارها

- با توجه به یافته‌ها، راهکارهای کاربردی زیر پیشنهاد می‌گردد:
- ✓ تنوع‌بخشی به فضاهای شهری از طریق ایجاد فضاهای چندمنظوره (ورزشی، فرهنگی، هنری، آیینی)؛
- ✓ طراحی سازه‌های موقت و پویا (غرفه، نمایشگاه، بازارچه‌های محلی)؛
- ✓ ارتقای مبلمان شهری (نیمکت، سایه‌بان، روشنایی، فضای سبز)؛
- ✓ نصب المان‌های هنری و شهری با مضامین بومی و تاریخی زنجان؛
- ✓ استمرار در برگزاری برنامه‌های عمومی (جشنواره‌ها، مراسم دینی و مذهبی، برنامه‌های ورزشی و بازی‌های محلی)؛
- ✓ تقویت رویدادهای خیابانی (موسیقی، تئاتر محیطی) برای جذب مشارکت مردمی؛
- ✓ ایجاد فرصت‌های تعامل اجتماعی برای افزایش نشاط و پویایی فضای شهری؛
- ✓ استفاده از فناوری به‌عنوان مکمل حضور واقعی (اپلیکیشن‌های شهری، واقعیت افزوده، ثبت و اشتراک‌گذاری لحظات واقعی)؛
- ✓ هدایت فناوری به سمت معرفی و تبلیغ هویت بومی و محلی؛
- ✓ طراحی برنامه‌های فناورانه‌ای که شهروندان را به تعامل حضوری در میدان دعوت کند؛
- ✓ تشکیل کارگروه عملیاتی متشکل از متخصصان جغرافیا، جامعه‌شناسی، معماری، فناوری و مدیریت شهری؛
- ✓ سیاست‌گذاری برای حفظ تعادل بین انسان، فضا و فناوری و جلوگیری از سلطه مطلق فناوری؛
- ✓ ارزیابی مستمر مصرف فضا و بازخوردگیری از شهروندان برای اصلاح طراحی و برنامه‌ها.

سپاسگزاری

بدین‌وسیله از شهروندان عزیز محدوده مورد مطالعه شهر زنجان که کمال همکاری را با محقق را داشتند تشکر می‌شود.

فرایند تدریجی، این فناوری است که با قدرت‌طلبی، جذب و ارائه اطلاعات متنوع، هم فضا را در خود ادغام می‌کند و هم انسان را از فضای حقیقی و عینی زیستن دور و به فضای مجازی و ذهنی گسیل می‌دارد.

مصاحبه‌ها نشان می‌دهد مصرف‌کنندگان فضای سبزه‌میدان، فضای شهری ایجادشده را مطلوب می‌دانند. با این حال به دلیل ضعف در تنوع عملیاتی آن (برگزاری مراسم، تداوم در ایجاد پویایی و نشاط، برگزاری برنامه‌های عمومی، متنوع‌سازی فضا با سازه‌های موقت) و از سوی دیگر وجود جایگزینی به نام فناوری (موبایل)، به تدریج تحت سلطه فناوری قرار گرفته‌اند. علی‌رغم موجودیت فیزیکی در فضا، ذهن را در اختیار فناوری قرار می‌دهند.

مقایسه یافته‌های این پژوهش با پژوهش‌های متناظر مانند طائب‌نیا (۱۳۹۸)، مظفری‌پور (۱۴۰۰)، گاردنر (۲۰۲۴)، حبیبی (۱۳۹۸)، شکری یزدان‌آباد (۱۴۰۰) نشان داد که همه بر مفهوم اثر فناوری در کنترل و اثرگذاری بر انسان در جهان زیست اشتراک دارند و پژوهش‌ها برای فناوری نقش غالبی را تصور می‌نمایند.

تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش‌های بررسی شده، در توجه به چگونگی مصرف فضا توسط انسان در فرایند کاربرد فناوری است که پیامدهای فعال و مانع را تفسیر می‌نماید. این پژوهش بر خلاف پژوهش‌های پیشین به مراحل چگونگی ارتباط بین فضا، انسان و فناوری پرداخته و زمان‌های تعادل، غلبه، تسلط و انزوای هر یک از عناصر یاد شده را تبیین می‌کند.

نتیجه کلی پژوهش حاضر بر این بنیان استوار است که فناوری توانسته است با متنوع‌سازی اطلاعات و داده‌های خود، ضمن ایجاد شبکه‌های هم‌رسانی، به‌طور مستمر در چرخه زندگی انسان و فضای زیست وی حرکت کرده و آن را بر مبنای اطلاعات خود تغییر دهد. اثرگذاری این فرایند به گونه‌ای است که تعادل پیوندی میان عناصر یاد شده برهم خورده و انسان و فضای شهری مغلوب فناوری گردند. این غلبه توأم با پیامدهای مثبت و منفی است.

References

- Ahmadi Hedayat, H., Farmahini Farahani, M., & Zarghami, S. (2019). Post-phenomenology in training and learning, with emphasis on the concepts of multistability and transparency. *Journal of Educational Sciences*, 26(1), 1–14. <https://doi.org/10.22055/edus.2019.28077.2707> (In Persian)
- Balamirzai, H., & Alborzi, F. (2017). Investigation of sensory perception of place in architectural spaces from phenomenological perspective: The evolution of phenomenology of architectural space. In *National Conference on Architecture and Urbanism (Sustainability and Resilience, From Ideal to Reality)*, Islamic Azad University, Qazvin, Iran. (In Persian)
- Bodnar, J. (2015). Reclaiming public space. *Urban Studies*, 52(12), 2090–2104.

- <https://doi.org/10.1177/0042098015583626>
- Daviran, A. (2024). The interactive effect of mobile night market and city space in the development of urban economy (Case study: night retailers in the central urban fabric of Zanjan). *Urban Economics*, 9(1), 81–96. <https://doi.org/10.22108/ue.2024.143050.1299> (In Persian)
- Daviran, A. (2025). Phenomenological methodology in geographical studies. In *5th Geography Content Education Conference*, Alborz University of Teacher Education, Karaj, Iran. (In Persian)
- Daviran, E. (2023). Evaluation of design components of children's recreational living space (Case study: Regional parks of District 4, Zanjan). *Urban Planning and Environmental Development*, 3(9), 83–100. <https://doi.org/10.30495/juepd.2023.1979475.1143> (In Persian)
- Daviran, E. (2024). The rhythm analysis of the use of space in the public spaces of the city center: Case study of Zanjan Sabzehmeydan. *Geographical Urban Planning Research*, 11(4), 111–131. <https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2024.370077.1899> (In Persian)
- Daviran, E. (2025). Functional effect of downtown space consumption on social capital (Case study: Central district of Zanjan city). *Urban Space and Social Life*, 3(9), 62–79. <https://doi.org/10.2034/jprd.2024.62569.1106> (In Persian)
- Eslami-Ardakani, S. H. (2022). Pioneers of phenomenology. *Ayeneh-ye Pazhouhesh (Research Mirror)*, 33(1), 231–248. <https://doi.org/10.22081/jap.2022.72881> (In Persian)
- Faraji, A. (2021). The phenomenological meaning of life in Husserl's thought. *Philosophy of Religion Research*, 1(19), 29–48. <https://doi.org/10.30497/prr.2021.239343.1618> (In Persian)
- Farhangi, A. A., Abadi, M. R., & Aghayan, S. (2020). Knowledge sharing in social networks: Developing a paradigmatic model based on grounded theory. *Cultural Studies & Communication*, 16(59), 155–185. <https://doi.org/10.22034/jcsc.2019.36692> (In Persian)
- Flick, U. (2015). *Introduction to qualitative research*. Tehran, Iran: Nashr-e Ney. (In Persian)
- Gardner, N. (2024). Ethics and the smart city. In *Scaling the smart city: The design and ethics of urban technology*. Springer. <https://doi.org/10.1016/B978-0-443-18452-9.00004-5>
- Ghasemipour, G., Jokar, M., & Taherian, Z. (2022). Lived experience: Its nature, types and role in the process of literary creativity. *LCQ*, 15(60), 175–228. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.20080360.1401.15.60.11.3> (In Persian)
- Ghayebloo, S., & Daviran, A. (2024). Studying the revival of handicrafts in the local urban economy (Case study: Mesgarha Street, Zanjan City). *Urban Economics and Planning*, 5(3). <https://doi.org/10.22034/uep.2024.472013.1526> (In Persian)
- Goeminne, G. (2010). Postphenomenology and the politics of sustainable technology. *Foundations of Science*, 16(2–3), 173–194. <https://doi.org/10.1007/s10699-010-9196-5>
- Habibi, S. M., Ameli, S. R., & Ashtari, D. (2019). The space of the flows and the space of the places: From contrast to interaction. *Urban Planning Knowledge*, 3(1), 109–124. <https://doi.org/10.22124/upk.2019.13668.1228> (In Persian)
- Heidegger, M. (1987). *Zur Bestimmung der Philosophie* (B. Heimbüchel, Ed.; Vols. 56/57). Vittorio Klostermann.
- Husserl, E. (1978). *The crisis of European sciences and transcendental phenomenology* (D. Carr, Trans.). Northwestern University Press.
- Ihde, D. (1998). *Expanding hermeneutics: Visualism in science*. Northwestern University Press.
- Ihde, D. (2015). Positioning postphenomenology. In R. Rosenberger (Ed.), *Postphenomenological investigations: Essays on human–technology relations*. Lexington Books.
- Madani-Pour, A. (2017). *Urban design, space and society*. Tehran, Iran: University of Tehran Press. (In Persian)
- Malayeri, M. H. (2011). *Hermeneutic phenomenology of philosophy of science*. Tehran, Iran: Strategic Research Center Publications. (In Persian)
- Mehta, V. (2014). Evaluating public space. *Journal of Urban Design*, 19(1), 53–88. <https://doi.org/10.1080/13574809.2013.854698>
- Miller, J., & Das, A. (2021). Post-phenomenology, consumption and warfare on the urban leisure path, USA. *Geoforum*, 126, 394–402. <https://doi.org/10.1016/j.geoforum.2021.09.004>
- Moein, M. B. (2014). *Meaning as lived experience*. Tehran, Iran: Sokhan Publishing. (In Persian)
- Mohseni Tabrizi, A. (2016). *Qualitative research methodology in interpretive schools*. Tehran, Iran: Nashr-e Etelaat. (In Persian)

- Mozaffaripour, R. (2021). Postphenomenological research method. *Methodology of Social Sciences and Humanities*, 27(108), 19–32. <https://doi.org/10.30471/mssh.2021.7391.2162> (In Persian)
- Mozaffaripour, R., Khosravi, R. A., & Khodadust, M. (2022). The experience of teacher training students on technology mediation in e-learning. *Journal of Higher Education Curriculum Studies*, 13(25), 57–87. <https://doi.org/10.1001/1.25382241.1401.13.25.5.6> (In Persian)
- Nari Ghomi, M., & Abbaszadeh, M. J. (2023). The mosque as a means of presence. *JRIA*, 11(2), 1–15. <https://doi.org/10.52547/jria.11.2.1> (In Persian)
- Papoli Yazdi, M. H. (1986). Definition, concept and a new perspective on geography. *Geographical Research*, 1, 9–54. (In Persian)
- Pazouki, B. (2020). Heidegger's position in early lectures on Husserl. *Metaphysics*, 12(29), 147–164. <https://doi.org/10.22108/mp.2020.124969.1245> (In Persian)
- Piri, E., & Roshanayi, H. (2014). Urban planning and reflective thinking. In *National Conference on Urban Planning and Management*, Iran. (In Persian)
- Rahdan Mofrad, M., & Raamesht, M. H. (2020). Changing the concept of human in the epistemology of geographers. *Geography and Development*, 18(58), 1–16. <https://doi.org/10.22111/gdij.2020.5322> (In Persian)
- Sadeghi, M., Javan, J., & Rahnama, M. (2022). Methodology of cognition of geographical space. *Journal of Arid Regions Geographic Studies*, 7(25), 17–36. (In Persian)
- Sagan, H. N. (2015). *Specters of '68: Protest, policing, and urban space* (Doctoral dissertation). University of California, Berkeley.
- Schütz, A. (1992). Several key concepts of phenomenology (Y. Abazari, Trans.). *Special Philosophy Culture*, 11. (In Persian)
- Shokri Yazdanabad, S., & Safavi, S. A. (2021). Effect of virtual spaces on presence in public spaces. *Urban Design Discourse*, 2(1), 29–40. <http://udd.modares.ac.ir/article-40-53387-fa.html> (In Persian)
- Simpson, P., & Ash, J. (2020). Phenomenology and phenomenological geography. In A. Kobayashi (Ed.), *International encyclopedia of human geography*. Elsevier. <https://doi.org/10.1016/B978-0-08-102295-5.10678-X>
- Smith, D. W. (2017). *Phenomenology*. Tehran, Iran: Qoqnoos Publishing. (In Persian)
- Soleimani, E., Amin Biedokhti, A. A., Najafi, M., & Karami, M. (2019). Designing the pattern of learning transfer to the work environment. *Journal of Research in Educational Systems*, 13(44), 37–51. <https://doi.org/10.22034/jiera.2019.164438.1756> (In Persian)
- Stiegler, B. (2009). *Technics and time, 2: Disorientation*. Stanford University Press.
- Strauss, A., & Corbin, J. (2013). *Basics of qualitative research* (E. Afshar, Trans.). Tehran, Iran: Nashr-e Ney. (In Persian)
- Tabatabaee, M., & Tavakkoli, G. (2018). Postphenomenological division of human–technology relations. *Journal of Philosophical Investigations*, 12(23), 43–60. (In Persian)
- Taebnia, V. (2020). Science and technology in postphenomenology. *Philosophy of Science*, 9(2), 119–143. <https://doi.org/10.30465/ps.2020.4547> (In Persian)
- Taheri Bonchenari, R., Aghajani Mersa, H., & Kaldi, A. (2018). An exploration of divorce and its origins in Tehran. *Journal of Social Problems of Iran*, 9(2), 139–164. <https://doi.org/10.22059/ijsp.2018.68623> (In Persian)
- Talebian, N., & Uraz, T. (2018). The post-phenomenology of place. *Open House International*, 43(2), 13–21. <https://doi.org/10.1108/OHI-02-2018-B0003>
- Vasegh, M., Mohammadi, A., & Heshmati, J. (2019). Critical review of epistemological principles of phenomenology. *Human Geography Research*, 51(2), 471–492. <https://doi.org/10.22059/jhgr.2019.267245.1007790> (In Persian)
- Verbeek, P. P. (2001). Don Ihde: The technological lifeworld. In H. Achterhuis (Ed.), *American philosophy of technology: The empirical turn*. Indiana University Press.
- Verbeek, P. P. (2005). *What things do: Philosophical reflections on technology, agency, and design*. Penn State Press.
- Verbeek, P. P. (2006). *The morality of things*. In E. Selinger (Ed.), *Postphenomenology: A critical companion to Ihde*. SUNY Press.

- Verbeek, P. P. (2011). Expanding mediation theory. *Foundations of Science*, 17(4), 391–395.
- Welton, D. (1999). *The essential Husserl: Basic writings in transcendental phenomenology*. Indiana University Press.
- Ziaee, S., Mirza Kuchak Khoshnevis, A., Piri, S., & Mahmoudi Zarandi, M. (2024). Post-phenomenological analysis of the effect of sense of time on sociability of public open spaces. *Tourism of Culture*, 4(15), 18–31. <https://doi.org/10.22034/toc.2024.432000.1147> (In Persian)